

The Political Strategies of Ayatollah Sistani for Forming National Identity and State in Iraq *

Mohammad Amin Negahban¹ 

Abolfazl Shakoori² 

Seyyed Mohsen Ale Seyyed Ghafour³ 


1. PhD Candidate in Political Thought, Department of Political Science, Faculty of Humanities, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.
Email: m_negahban@modares.ac.ir
2. Associate Professor, Department of Political Science, Faculty of Humanities, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran (corresponding author).
Email: a.shakoori@modares.ac.ir
3. Assistant Professor, Department of Political Science, Faculty of Law and Political Science, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran.
Email: M.aleghafur@scu.ac.ir



Abstract

Since the decline of the Ottoman Empire, Iraqi society has faced a significant challenge: the formation of a national identity and state. The strategies of Iraq's diverse political forces—from romantic nationalists to Ba'athist pan-Arabists and political Islamists—despite vast differences, centered on preserving Iraq's national state against Western and Iranian influence. However, the approach to this nation-state building has been highly contested. This study, following Skinner's author-context hermeneutics, examines Ayatollah Sistani's strategies in addressing the challenge of building Iraq's modern nation-state. Ayatollah Sistani, as a

* Negahban, M. A.; Shakoori, A.; Ale Seyyed Ghafour, S. M. (2023). The Political Strategies of Ayatollah Sistani for Forming National Identity and State in Iraq. *Journal of Political Science*, 27(105), pp. 108-150. <https://doi.org/10.22081/psq.2024.69122.2886>

 **Publisher:** Baqir al-Olum University, Qom Iran.

*** Type of article:** Research Article

 **Received:** 2023/10/29 •  **Revised:** 2023/12/12 •  **Accepted:** 2023/12/26 •  **Published online:** 2024/03/25

© The Authors



leading Shiite authority, has played a pivotal role in preserving Iraq's political unity within the global system of nation-states. An Iranian-born cleric based in Najaf, he aims to lay the groundwork for forming a cohesive national identity and state in post-2003 Iraq. Ayatollah Sistani initiated **his political engagement by diagnosing Iraq's crisis as rooted in challenges** to national identity and statehood and seeks to provide strategies for their formation in terms of contemporary Shiite jurisprudential teachings. His **strategies, grounded in a continuous reminder from Iraq's religious institutions** and reinforced by both the Iraqi public and policymakers, have guided the nation toward achieving national sovereignty while maintaining both internal and external independence from foreign political influences. This central question emerges: What are Ayatollah **Sistani's strategies for forming Iraq's national identity and state? The** research findings show that Ayatollah Sistani identifies the erosion of **Iraq's religious and national culture as a critical issue, advocating for** national identity and statehood based on three core principles: the emergence of the virtuous citizen to address sectarian strife, the establishment of peaceful coexistence to heal political factionalism, and the formation of modern political institutions to counter authoritarianism.

Keywords

Iraq, Ayatollah Sistani, righteous citizenship, peaceful coexistence, national identity and statehood.



راهبردهای سیاسی آیت‌الله سیستانی جهت تکوین

هویت و دولت ملی در عراق*

محمدامین نگهبان^۱ ID، ابوالفضل شکوری^۲ ID، سید محسن آل سیدغفور^۳ ID

۱. دانشجوی دکتری اندیشه سیاسی، گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.
www.m_negahban@modares.ac.ir

۲. دانشیار، گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران (نویسنده مسئول).
www.a.shakoori@modares.ac.ir

۳. استادیار، گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران.
www.M.aleghafur@scu.ac.ir



چکیده

جامعه عراق از ابتدای انحطاط امپراتوری عثمانی با مسئله‌ای بزرگ روبرو شد و آن تکوین «هویت و دولت ملی» بود. راهبردهای نیروهای متعدد سیاسی - عراقی، از ملی‌گرایان رومانتیک تا امت‌گرایان بعثی و اسلام‌گرایان سیاسی به‌رغم تفاوت‌های بسیار، بر محوریت حفظ دولت ملی این کشور در مقابل دولت‌های غربی و ایرانی صورت‌بندی می‌شد؛ اما نحوه این ملت - دولت‌سازی محل مجادله بسیار بود. این پژوهش به شیوه هرمنوتیک زمینه - مؤلف اسکیزری، راهبردهای آیت‌الله سیستانی را در مواجهه با مسئله ملت - دولت‌سازی عراق جدید واکاوی می‌کند. آیت‌الله سیستانی، به عنوان مرجع اعلای متأخر جهان تشیع، نقش بسیار مهمی در بقای واحد سیاسی عراق، بر نقشه جغرافیایی نظام دولت - ملت‌ها ایفا کرده است. وی که مجتهدی ایرانی الأصل مقیم نجف است، بر آن است تا مقدمات تکوین هویت و دولت ملی در عراق جدید را فراهم آورد. آیت‌الله سیستانی کنش‌ورزی سیاسی خود در این عرصه را با

* **استناد به این مقاله:** نگهبان، محمدامین؛ شکوری، ابوالفضل؛ آل سید غفور، سید محسن. (۱۴۰۲). راهبردهای

سیاسی آیت‌الله سیستانی جهت تکوین هویت و دولت ملی در عراق. علوم سیاسی، ۲۷(۱۰۷)، صص ۸۸-۱۵۰.

<https://Doi.org/10.22081/psq.2024.69122.2886>

□ نوع مقاله: پژوهشی؛ ناشر: دانشگاه باقرالعلوم (ع) قم، ایران؛ © نویسندگان

□ تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۰۷؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۲/۰۹/۲۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۰۵؛ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۳/۰۱/۰۶



تبیین خاستگاه بحران عراق در تکوین هویت و دولت ملی آغاز کرده است و قصد دارد با استفاده از آموزه‌های مکتب‌های فقهی تشیع در عصر حاضر، راهبردهایی برای تکوین آنها ارائه دهد؛ راهبردهایی که با تذکر پایدار نهادهای دینی عراق و اعمال نسبی آنها توسط مردم و سیاستمداران عراقی توانسته است این کشور را در برداشتن گام‌هایی در جهت تحقق اصل حاکمیت ملی هدایت کند و استقلال داخلی و خارجی آن را از نیروها و جریان‌های سیاسی خارجی حفظ کند؛ براین اساس پرسش محوری این است که راهبردهای آیت‌الله سیستانی برای تکوین هویت و دولت ملی در سرزمین عراق چیست؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد آیت‌الله سیستانی ضمن تبیین مسئله نابودی فرهنگ دینی و ملی در عراق، اعلام می‌دارد که هویت و دولت ملی در این کشور، از رهگذر سه مؤلفه «ظهور شهروند صالح» جهت علاج رنج فرقه‌گرایی قومی، «برقراری همزیستی مسالمت‌آمیز» برای التیام آلم طایفی‌گرایی سیاسی و «استقرار نهادهای سیاسی نوین» برای درمان درد استبداد تحقق پذیر است.

کلیدواژه‌ها

عراق، آیت‌الله سیستانی، شهروندی صالحه، همزیستی مسالمت‌آمیز، هویت و دولت ملی.



مقدمه

با آنکه عراق یکی از نخستین واحدهای سیاسی جدید عربی بود که از امپراتوری مذهبی عثمانی استقلال یافت، اما به دلیل محدودیت‌های جغرافیایی - تاریخی‌اش، از آغاز تأسیس نتوانست از عهده مسئله «ایجاد ایده‌ای ملی و میهنی در پیکره هیئت سیاسی‌اش» برآید. قدرت‌های مؤسس عراق در ترسیم مرزهای سیاسی آن به مسئله «انطباق موقعیت طبیعی با فرهنگ‌های جغرافیایی» توجه نکردند و این کشور ناچار بود خلأ ناشی از این امر را با پیگیری سیاست‌های کشمکش و ستیزه‌جویانه در عرصه داخلی و خارجی جبران کند.

هر کدام از نیروهای اجتماعی - سیاسی عراق برای حل بحران تکوین هویت و دولت ملی فراگیر در عراق، راهبردها و راهکارهای متعددی تجویز کردند و هریک نیز فرصت یافتند که آنها را در ساحت‌هایی نهادین و اقتداری به اجرا گذارند. ملی‌گرایان رومانتیک همچون ساطع الحصری بر مبنای آرای فیخته و هردر، پایه‌های ملیت عراقی را بر اصالت‌بخشی به زبان و تاریخ استوار کردند و با تأسیس نهادهای سیاسی جدید مانند ارتش ملی و آموزش و پرورش جدید، بر محور عربیت و قومیت‌زبانی، ارکان حاکمیت داخلی عراق را در دو وجه قهری و ایدئولوژیک پی‌ریزی کردند (عنایت، ۱۳۹۴، صص. ۲۵۶-۲۵۹؛ خاکرند و یداله‌ی، ۱۳۹۸ الف، صص. ۵۸-۶۴). اسلام‌گرایان سیاسی همچون محمدباقر صدر بر اساس خوانشی ایدئولوژیک از دیانت اسلامی، با تغییرات ساختاری در حوزه علمی و تسری شیوه‌های آموزشی جدید به آن و همچنین بهره‌برداری سیاسی از سازمان‌های جدید سیاسی مانند حزب الدعوة از تحریف جوهره دیانت اسلامی توسط مارکسیست‌ها جلوگیری کرد و آن را مناسب‌ترین مکتب برای ترسیم دورنمای آینده عراق در همه ابعاد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی قلمداد کرد (حمدانی، ۱۳۹۵، صص. ۵۸-۶۵). امت‌گرایان بعثی نیز مانند میشل عفلق با تلفیق عناصر هر سه مکتب رومانتیک، اسلام‌گرایان سیاسی و مارکسیسم، هویت ملی عراقی را در پهنای قلمرو متافیزیکی امت عربی معنا کردند که در پرتو آن دولت عراق به زدودن محدودیت جغرافیایی - تاریخی خود در عرصه سیاست خارجی، تحت

لوی تعقیب منافع ملی اش مشغول بود (غرایاق زندگی، ۱۳۸۹، صص. ۲۶-۲۷).

هر چقدر که جریان‌های سیاسی عراقی در ایجاد و توسعه مؤلفه‌های ظاهری هویت و دولت ملی موفق بودند، اما در تکوین جوهره اصلی آن، یعنی «حاکمیت ملی» اقبال چندانی نداشتند. تمامی آنها در تحمیل منطق ذات‌انگارانه و جوهری آرایشان بر تاریخ عراق و نادیده‌انگاری نقش تاریخی فرهنگ دینی در تأسیس عراق جدید و حفظ هویت عربی آن مشترک بودند: چه به صورت «عرب‌ندانستن مسلمانان در مکتب رومانیتیک»؛ چه به صورت «قطع پیوند تاریخی دیانت اسلامی با سرزمین عراق و فرازمانی و فرامکانی دیدن آن در مکتب اسلام‌گرایان سیاسی» و چه به صورت «نقش آفرینی جدید دیانت اسلامی در تکوین امت واحده بعثی». غلبه این منطق منجر به آن شد که این جریان‌ها از توجه به دردهای تاریخی‌ای بازمانند که روند شکل‌گیری هویت و دولت ملی را در عراق کند می‌کرد. نخبگان سنی‌مذهب و ارتش بعث عراق تا پیش از سال ۲۰۰۳م. با استفاده از اهرم خشونت، سرکوب و ارباب، عراق را به نسبت یکپارچه نگاه داشته بودند؛ ولی سقوط صدام از سوی اشغالگران در سال ۲۰۰۳م. و از میان رفتن حاکمیت ملی، ناامنی، وخامت اوضاع معیشتی، قومیت‌گرایی، قبیله‌گرایی، فرقه‌گرایی (طایفه‌گرایی) و انحصارطلبی از جمله گرفتاری‌هایی بود که شکاف‌ها و تضادهای اجتماعی این جامعه را تشدید می‌کرد (حاجی یوسفی و عارف‌نژاد، ۱۳۹۰، صص. ۴۲-۴۳). آنچه که توانست عراق را در این شرایط بحرانی به سمت ثبات و حاکمیت ملی هدایت کند، برجسته‌شدن نقش مرجعیت شیعه به عنوان یک نیروی سیاسی و کنشگری فعال بود (احمدیان و صفری، ۱۳۹۷، ص. ۱۱۴). سیدعلی حسینی سیستانی^۱ از جمله مراجع تقلید شیعه است که بررسی بیانیه‌ها، فتاوا و اعتراض‌نامه‌های او از این جنبه و در مقام اندیشمندی هنجارمند برای گذار از وضعیت موجود، اما نامطلوب به سوی وضعیت مطلوب در عراق، اهمیت بسیاری دارد. وی در فضای فکری عراق، با مشاهده تجربه راهکارهای

۱. در این پژوهش برای رعایت اختصار علمی و همچنین حفظ جایگاه روحانی و دینی مرجعیت اعلی از عنوان «سید سیستانی» استفاده می‌شود. گفتنی است تارنمای رسمی معظم له نیز از القاب دینی - مذهبی برای ایشان استفاده نمی‌کند و از این عنوان بهره می‌برد (www.Sistani.org).

قوم گرایان عرب در عصر پادشاهی، وحدت گرایان مارکسیستی قاسم، امت گرایان بعثی و اسلام گراهای سیاسی را در حل بحران تکوین هویت ملی، معتقد است که هیچ کدام از جریان‌های فکری این کشور نتوانسته‌اند در صورت‌بندی نظری این بحران موفق باشند؛ از همین رو ایشان با تبیین بحران تاریخی عراق که مانعی جدی در مسیر تحقق هویت و دولت ملی در این کشور اسلامی است، راهبردهایی پیش روی عراقی‌ها قرار می‌دهد تا آنان را در راه تکوین هویت و دولت ملی که مهم‌ترین کانون آن فرهنگ دینی است، یاری رساند. پژوهش حاضر می‌کوشد با روش هرمنوتیک زمینه - مؤلف اسکینر، این راهبردها و زمینه‌های فکری و اجتماعی آن را بررسی کند.

۱. پیشینه پژوهش

مرور پژوهش‌های مرتبط با اندیشه سیاسی سیدسیستانی بیانگر آن است که هنوز درباره شناخت راهبردهای سیاسی او برای سامان‌دهی بحران تاریخی عراق در تکوین هویت و دولت ملی اتفاق نظری میان پژوهشگران وجود ندارد. عده‌ای از پژوهشگران غربی مانند لی دورف و جان هارکینز (۲۰۰۷م.) مقاله «نقش آینده آیت‌الله سیستانی در عراق» وی را مجتهدی محافظه‌کار و سنت‌گرا می‌داند که اگرچه نظر مساعدی به دولت اسلامی دارد، در عین حال به جدایی دین از سیاست معتقد است. برخی از پژوهشگران ایرانی، همچون غضنفری (۱۳۹۵ش.) در کتاب نگاهی به دیدگاه‌های فرهنگی، اجتماعی، اخلاقی، سیاسی و سبک زندگی آیت‌الله سید علی حسینی سیستانی با توجه به تابعیت ایرانی سیستانی، او را وارث آرای بنیان‌گذار جمهوری اسلامی می‌پندارند که از انگیزه‌های لازم برای ایجاد یک حکومت اسلامی تمام‌عیار در عراق برخوردار است؛ اما زمینه تاریخی و بافت فرهنگی منحصر به فرد این کشور به وی این امکان را نمی‌دهد تا نیت خود را عملی سازد. عراقی‌ها و عراق پژوهانی همچون حکیم (۲۰۱۸م.) در کتاب النجف الأشرف و حوزتها و فراتی (۱۴۰۱) در مقاله «آیت‌الله سیستانی و نظریه اراده الامه» بر این باورند که آرای سیدسیستانی البته نظریه اصلاح‌شده محقق نایینی در کتاب تنبیه الامه و تنزیه المله است و او می‌کوشد ضعف‌های آن را در هیئت جمهوریت - و نه سلطنت - برطرف سازد

و آن را متناسب با شرایط فکریس - سیاسی عراق صورت‌بندی کند. برخی دیگر نیز مانند المیاحی (۲۰۱۹م.) در کتاب العراق والسیستانی و صباح صاحب‌العریض و محمد فرحان عبیدالنالی (۲۰۱۸م.) در مقاله «مبانی الفقه‌السیاسی المعاصر عند السیستانی (نظریه‌ی اراده‌الامة انموذجاً)» معتقدند چنانچه تمامی امکانات نظری و عملی تحقق‌یافته‌ی سیستانی فراهم گردد، ما با نسخه‌ی عملیاتی به‌هنگام و عراقی‌شده‌ی نظریه‌ی «ولایت‌امت بر نفس خویش» شیخ مهدی شمس‌الدین یا الگویی «خلافت‌امت با نظارت مرجعیت» محمدباقر صدر روبرو خواهیم بود. آنچه در این نظریه‌ها مغفول مانده آن است که هیچ‌کدام از این آرا به این مسئله نپرداخته‌اند که چه عواملی به‌احتمال سیدسیستانی را به صورت‌بندی کنش‌های سیاسی و آرای فقهی‌اش برانگیخته است؛ از این رو از یک‌سویه تنها کار دقیق پژوهشی در کلیت اندیشه‌ی سیستانی به صورت مستقل صورت نگرفته است؛ بلکه در سوی دیگر از نسبت‌سنجی اندیشه‌های او با مسئله‌ای که این پژوهش در نظر دارد، غفلت شده است.

۲. روش پژوهش

کوشش زمینه‌مندانه و تاریخی سیدسیستانی برای شناسایی ماهیت بحران جامعه‌ی عراقی در تکوین هویت و دولت ملی و ارائه راهبرد برای گذار از آن، اتخاذ روش پژوهشی را ضروری می‌سازد که به هر سه وجه «زمینه‌مندی»،^۱ «عاملیت مؤلف»^۲ و «خصلت امکان فراتاریخی بودن»^۳ متون اندیشه‌ای توجه لازم را داشته باشد. روش‌شناسی زمینه - مؤلف اسکینر (۱۹۴۰م. - ...) رهیافتی مناسب در فهم متون است که آرای یک متفکر را در نسبتی گفتگویی با این سه عامل قرار می‌دهد (اسکینر، ۱۴۰۲، صص. ۱۳-۳۴). اسکینر بر این نظر است که یک متفکر در مقام یک مؤلف، آرای خود را طی یک فرایند کنش گفتاری - ارتباطی قصدشده با مخاطبان گذشته و حال صادر می‌کند تا ضمن شناخت وضعیت نامطلوب و پرسش‌ها و پاسخ‌هایی که درباره‌ی آن در جریان است، به

1. Context.

2. Author agency.

3. Meta-historical.

مشروعیت‌بخشی و یا مشروعیت‌زدایی راهکارهایی پیردازد که در آن زمینه‌زبانی - اجتماعی وجود دارد (اسکینر، ۱۳۹۳، ج ۱، صص. ۲۲-۲۹). او اذعان می‌دارد که باید برای فهم مقصود^۱ مؤلف و کنش گفتاری‌اش^۲، زبان و معانی و مفاهیم رایج و گزاره‌هایی را که هر نویسنده‌ای با استفاده از آنها اقدام به نگارش می‌کند، شناسایی کرد و ارتباطات آن با زمینه‌زبانی گسترده‌تر را بازترسیم نمود تا سنت، عرف، اصول و قواعد مرسوم و نیز استدلال‌های فکری و سیاسی آن زمانه و کاری که مؤلف به قصد انجام‌دادن آن استدلال‌هایش را مطرح کرده است، بیشتر برای ما آشکار شود. این پژوهش با بهره‌گیری از روش اسکینری قصد دارد آرای سیدسیستانی را در مقام مرجعیت دینی در زمینه‌زبانی - اجتماعی جامعه عراقی قرار داده، نشان دهد که او چه پاسخی را برای بحران تکوین هویت و دولت ملی در عراق تدارک دیده است.

گفتنی است سیدسیستانی فاقد اثر و تألیفی مدون در عرصه سیاست است؛ ولی با تجمع و سامان‌دهی فتاوا، احکام شرعی، بیانیه‌های رسمی صادر شده از دفتر ایشان حول مسائل عراق که حامد الخفاف (۲۰۱۰)، وکیل و نماینده ایشان در لبنان، آنها را در کتاب دیدگاه‌های سیاسی - اجتماعی آیت‌الله سیستانی در مسائل عراق تنظیم کرده و به تأیید ایشان رسانیده است (تارنمای رسمی آیت‌الله سیستانی، ۱۴۳۹ق، شعبان) و تقریرات فقهی (تارنمای رسمی آیت‌الله سیستانی، ۱۴۴۵ق، ربیع الأول) و تحلیل آنها به شیوه هرمنوتیکی زمینه - مؤلف اسکینر، می‌توان به منظومه فکری - سیاسی ایشان پی برد؛ همچنین در این پژوهش، متن خطبه‌های نماز جمعه کربلا در سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۲۰م. که وکلا و نمایندگان ایشان ایراد کرده‌اند، یکی از منابع اصلی شناخت آرای اخلاقی و سیاسی سیدسیستانی می‌باشد.^۳

1. Intention.

2. Speech act.

۳. براساس تقریرات سیدسیستانی درباره «قاعده فقهی فراغ» و «اصالة الصحه»، «وکالت» یک امر انشایی قانونی است و مانعی ندارد که عمل وکیل تماماً به موکل منتسب شود؛ زیرا موکل، وکیل را به منزله نفس خویش جعل و اعتبار می‌کند. برای کسب اطلاعات بیشتر در این باره نک:

الربانی، سید محمدعلی (۱۴۴۱ق). مجموعه الآثار الکامله للمرجع الدینی الاعلی السید السیستانی (دام‌ظله)، ج ۱۳ مؤسسه نور الأمير، صص ۲۷۱ - ۲۷۲.

سید احمد صافی، وکیل و نماینده سیدسیستانی و تولیت شرعی آستان مقدس عباسی در مصاحبه‌ای با خبرگزاری رسمی حوزه، در مورد انتساب دیدگاه‌ها و مواضع طرح‌شده در این خطبه‌ها به سیدسیستانی اظهار کرده است که «خطبه‌های نماز جمعه، به‌ویژه خطبه دوم به سه حالت نوشته می‌شود: حالت اول اینکه خود آیت‌الله سیستانی متن خطبه را می‌نویسد؛ حالت دوم اینکه چهارچوب کلی را معظم له تعیین می‌کند و حالت سوم اینکه خود خطیب نماز جمعه متن خطبه را می‌نویسد و برای آیت‌الله سیستانی می‌فرستد و ایشان آن را ویرایش می‌کنند. در تمامی این حالات خطیب نماز جمعه تابع نجف اشرف است» (صافی، ۱۴۰۱)؛ بنابراین در انتساب این خطبه‌ها به سیدسیستانی جای هیچ تردیدی نیست و بسیاری از پژوهش‌های نوظهور عراقی نیز درباره شناخت منظومه فکری-سیاسی سیدسیستانی، متن خطبه‌های نماز جمعه کربلا را اصلی‌ترین مواد پژوهشی خود قلمداد کرده‌اند و آن را به عنوان معتبرترین منبع برای شناخت منطق سیدسیستانی در عرصه سیاسی و اجتماعی معرفی می‌کنند (الخفاف، ۱۴۴۱ق؛ الحار، ۲۰۲۲، ص. ۱۰؛ المیاحی، ۲۰۱۹م، ص. ۱۸۶).

۳. یافته‌های پژوهش

۳-۱. زندگی و زمانه سیدسیستانی

زمانه سیدسیستانی دوران گذار سرزمین‌های اسلامی ایران و عراق از شکل سنتی سلطنت و خلافت به اشکال جدید سیاسی دولت - ملت، همراه با محتوای ذاتی «گسست از نقش‌آفرینی فرهنگ دینی در تکوین هویت ملی» بود. سیستانی بنا به شیوه تربیت مذهبی خانواده‌اش در این دوران، چندان رغبت نداشت که در مسائل اجتماعی و سیاسی مشارکت فعال کند. وی تقریباً مدارج علمی حوزوی خود را در سکوت مطلق طی کرد و از همان آغاز در مکتب‌های متعدد فقهی برخاسته از حوزه نجف به تحصیل پرداخت و آرای خود را در پرتو آموزه‌های آنان صورت‌بندی کرد. سیدسیستانی نخست مقدمات دروس فقهی را در حوزه علمیه مشهد نزد اساتید صاحب‌نامی همچون میرزا مهدی اصفهانی گذراند. میرزا مهدی اصفهانی بنیان‌گذار مکتب معارف اهل بیت (علیهم‌السلام) در

خراسان و از نخستین شاگردان محقق نایینی در زمان مرجعیتش در نجف پس از آخوند خراسانی بود (نبوی رضوی، ۱۳۹۶، صص. ۴۷-۴۹). سیدسیستانی آموزه‌های او را در مخالفت با حضور دیدگاه‌های فلسفی و عرفانی در عرصه فقه شیعی و شریعت اسلامی آغازگاه اندیشه‌ورزی فقهی‌اش قرار داد (نجفی اصفهانی، ۱۳۹۶، صص. ۲۴۳-۲۴۴؛ حسینی سیستانی، ۱۴۳۳ق؛ تمدن و الهی خراسانی، ۱۳۹۹، ص. ۱۸). وی سپس به قم رفت و از آموزه‌های فقهی - حدیثی سید حسین بروجردی، زعیم وقت حوزه علمیه قم بهره‌مند شد (جیاد، ۲۰۲۳، ص. ۲۱). آیت‌الله بروجردی نیز از دانش‌آموختگان برجسته استادان عصر مشروطه و مشروعه‌خواه حوزه علمیه نجف، همچون آخوند خراسانی و سیدمحمد کاظم یزدی بود که آموزه‌های فقهی‌اش در استنباط احکام شرعی، مکتب اجتهادی جدیدی را با عنوان «مکتب حدیثی قم» تأسیس کرد (علوی طباطبایی بروجردی، ۱۳۹۸، صص. ۸۷-۱۰۴).

پس از فراگیری این آموزه‌ها، سیدسیستانی در سال ۱۹۵۰م. به نجف هجرت کرد. ورود سیدسیستانی به عراق با زعامت آیت‌الله حکیم هم‌زمان بود. عراق حوادث مربوط به منشور ملی کاشف الغطا و کودتای گیلانی را پشت سر می‌گذراند و البته رویدادهای سرنوشت‌سازی را، از سقوط رژیم پادشاهی در سال ۱۹۵۸م. گرفته تا استقرار کامل رژیم بعث در سال ۱۹۶۸م. و آغاز جنگ عراق و ایران در سال ۱۹۸۰م. پیش رو داشت. وی با ورود به حوزه علمیه نجف، در محضر درس استادان مهمی همچون آیت‌الله سید ابوالقاسم خویی و شیخ حسین حلی که از شاگردان مبرز مکتب نایینی بودند، حاضر شد و با عمق‌بخشی به مطالعات دینی و غیردینی خود، فرایند کسب اجتهاد را بسیار سریع طی کرد. مهارت سیستانی در ادغام آموزه‌های مکتب‌های فقهی حوزه‌های مشهد، قم و نجف در سلسله مباحث دروس فقهی‌اش، جلسات او را از بقیه متمایز می‌کرد و آن را با اصالت، نوسازی، خلاقیت، بحث مقایسه‌ای با مدارس مختلف دیگر عین می‌ساخت (الحکیم، ۲۰۱۸، ج. ۵، صص. ۲۱۰-۲۲۵). توان‌مندی‌های علمی و قدرت مدیریت اجتماعی سیدسیستانی در کنار خالی شدن حوزه نجف از عالمان و فقیهان تأثیرگذار عرب و غیرعرب مانند صدر اول در اثر اخراج‌ها، ترورها و اعدام‌های حزب بعث، او را به عنوان

یکی از معدود گزینه‌های مرجعیت و زعامت حوزه نجف پس از آیت‌الله خویی مطرح ساخت (تارنمای رسمی آیت‌الله سیستانی، ۱۴۴۶ق، صفر).

عراق به هنگام مرجعیت سیستانی در وضعیت اضمحلال کامل قرار داشت. هرچند حزب بعث به اهداف ایدئولوژیک خود در عربی‌سازی حوزه دست نیافت و درنهایت با شکست مقابل ایران در جنگ هشت‌ساله، ادعای سیادت بر جهان اسلام را تاندازه‌ای با آن تقسیم کرد؛ ولی در تشدید دردهای تاریخی عراق و تعمیق بحران نابودی فرهنگ دینی و نقش آن در تکوین هویت ملی بسیار موفق بود. در نتیجه این اقدام‌ها، بسیاری از عالمان، طلاب و عموم مؤمنان تصفیه گشتند و انواع ظلم و آزار و شکنجه بر اکثر روحانیون رواج یافت؛ بدین ترتیب دوره ۱۹۹۰ - ۲۰۰۳م. نشان دوره‌ای سخت برای سیستانی بود. او که بعثی‌ها بارها تهدیدش کرده بودند، می‌دانست که هرگونه رویارویی مستقیم با رژیم بعث خطر نابودی فیزیکی دستگاه دیانت شیعی را در پی دارد؛ از این رو ده سال اولیه زعامت خود را برای «بقای حوزه علمیه نجف» در سکوت گذراند؛ سکوتی «غیردوستانه» که همچنان بعثی‌ها را در عربی‌سازی حوزه ناکام می‌گذاشت و البته امکانات اجتماعی و لوازم فرهنگی لازم برای کنشگری سیاسی نهاد مرجعیت را آماده می‌ساخت (المیاحی، ۲۰۱۹م، صص. ۲۹-۸۵؛ الخفاف، ۲۰۱۰م، ص. ۳۲).

ناکارآمدی حزب بعث در تشخیص بحران سیاسی عراق و درمان آن، لاجرم به سقوط این حزب منجر شد؛ از این رو ایالات متحده در مقام نگهبان نظم نوین جهانی، پس از واقعه یازده سپتامبر با اهداف نابودی سلاح‌های کشتار جمعی، گسترش دموکراسی و رهایی از حکومت صدام حسین و مبارزه با تروریسم در ۱۹ مارس ۲۰۰۳م. به عراق حمله کرد و گمان می‌کرد که با سقوط مجسمه صدام حسین در ۹ آوریل همان سال، همیاری عراقی‌ها را در ایجاد یک دموکراسی که از خودمختاری حمایت می‌کند، به خود جلب خواهد کرد (غیثان، ۲۰۱۴م، ص. ۱۷۳؛ بوش، ۲۰۱۲م، ص. ۳۴۲). سیدسیستانی از ابتدای اشغال عراق توسط آمریکا، دغدغه موجودیت سیاسی و حفظ هویت ملی این کشور را داشت و با زیر نظر گرفتن اقدامات آمریکا و متحدانش، پیگیر این مسئله بود که فهم آنها از ماهیت بحران سیاسی در عراق و دردهای تاریخی تشدیدکننده آن بیماری

چيست. او که در جایگاه فقیهان و مراجعی قرار داشت که بارها در مقابل عناصر نابودکننده هویت ملی عراق ایستادگی می کردند، هم‌زمان با زمزمه‌های اشغال عراق، همه عراقی‌ها را به آمادگی در مقابل متجاوزان فراخواند و البته در این راه از ابزارهای سنتی مراجع دینی یعنی «فتوا» و «حکم» استفاده می کرد و با همین شیوه نیز اشغالگران را در تحقق برنامه‌هایشان با مشکل مواجه می کرد (الشکری، ۲۰۱۷، ص. ۱۲۷). هنگامی که بریمر، فرستاده ویژه اشغالگران در امور عراق، اجراسازی برنامه‌های خود را برای تدوین قانون اساسی آغاز کرد، سیستمی نیز با تبیین ماهیت نظری اقدامات او آنها را جز تداوم بحران تاریخی عراق، یعنی نابودی فرهنگ دینی و ملی تفسیر نمی کرد (الخفاف، ۲۰۱۰، ص. ۷۰)؛ اقداماتی که گام به گام مسیر تشدید دردهای تاریخی عراق، یعنی فرقه‌گرایی قومی، طائفی‌گرایی سیاسی و ساخت استبدادی را هموار می ساخت (الخفاف، ۲۰۱۰، صص. ۹۶-۱۰۸). وی همچنین تصویب قانون اساسی دایم عراق در سال ۲۰۰۵م. و بر مبنای مفاد قانون اساسی موقت اشغالگران را نهادینه کردن دردهای تاریخی عراق تلقی کرد؛ باین حال ملت عراق را به دادن رأی «آری» به آن فراخواند و حمایت از فهرست ائتلاف میهنی عراق را با هدف موفقیت این ملت در نخستین انتخابات آزاد و حفاظت از یکپارچگی و همبستگی این کشور ضروری دانست و آن را راهی برای جلوگیری از تقسیم و تجزیه کشور تلقی کرد (الخفاف، ۲۰۱۰، صص. ۱۹۳-۱۹۴)؛ بدین ترتیب سیدسیستانی در طول دوران زعامت دینی خود - چه در دوران حزب بعث و چه پس از آن - همواره کوشیده است تا در مقام مرجعیت اعلی، دردهای تاریخی جامعه عراقی را به مردمان آن گوشزد کند و با مددگیری از تعالیم اسلامی، راهبردهایی را برای التیام آنها ارائه دهد که افزون بر تداوم فرهنگ دینی در اذهان و افعال عراقی‌ها، پیشرفت مادی آنان را نیز در پی داشته باشد.

۲-۳. دردهای تاریخی عراق از دیدگاه سیدسیستانی

۱-۲-۳. فرقه‌گرایی قومی

در منظومه فکری - سیاسی سیدسیستانی، نخستین درد تاریخی عراق در راه تکوین هویت و دولت ملی، «فرقه‌گرایی قومی» است؛ معضلی که گاه در متون تاریخی از آن

با عنوان «فرقه‌گرایی» یا «قوم‌گرایی» یاد می‌شود. فرقه‌گرایی در اصطلاح سیاسی به تمایز و تفاوت نژادی و زبانی گروه‌های انسانی به صورت هم‌زمان یا تنها در یک مورد (زبان / نژاد) اطلاق می‌شود؛ به گونه‌ای که جمعیتی، به تفاوت خویش با دیگر گروه‌ها قائل باشد و روحیه‌ای خشونت‌آمیز و توهین‌آمیز را نسبت به دیگر هویت‌های زبانی - نژادی تجویز کند (قادری و همکاران، ۱۴۰۱، ص. ۱۸۹). این درد تاریخی که مانع وحدت و یکپارچگی عراقی‌ها در مقام یک «ملت» بود، همواره هویت مردمان این سرزمین را ذیل واحدهای کوچک‌تری چون «خانواده»، «عشیره» و واحدهای بزرگ‌تری مانند «گروه‌ها و دسته‌جات کوچک و بزرگ سیاسی» تعریف می‌کرد و اقدامات سلاطین عثمانی را در گسترش زبان ترکی (فیرحی، ۱۳۹۴، صص. ۳۴۵-۳۸۰) تعمیق می‌کرد؛ همچنین به واسطه رویکرد ملی‌گرایان رومانتیک در سرکوب گویش‌های محلی (خاکرند و یدالهی، ۱۳۹۸ الف، صص. ۶۰-۶۱)، اعطانکردن حقوق و آزادی‌های بنیادین سیاسی (مانند پذیرش خودمختاری برای اقلیت‌هایی همچون کردها) از سوی مارکسیست‌ها (بلدیز، ۱۳۹۱، ص. ۵۰) و سطحی و تجربی‌انگاشتن پیوندهای قومی و زبانی ملی‌گرایی عربی از سوی اسلام‌گرایان سیاسی با عنوان «فقر معرفتی» (حمدانی، ۲۰۱۰م، ص. ۱۵۱)، سیاست تعریب یا عربی‌سازی کردستان از جانب حزب بعث (الشلاه، ۲۰۱۵م، ص. ۱۵۷) و برپایی انتخابات مجلس تدوین قانون اساسی با نظام بسته و با عنوان «قانون اداره انتقالی» و اداره پست ریاست جمهوری به صورت شورایی (متشکل از یک نفر کرد، یک نفر شیعه و یک نفر عرب توسط اشغالگران آمریکایی) این معضل تاریخی را به معمایی حل‌ناشدنی بدل کرد که با به رسمیت شناختن اقلیم خودمختار کردستان و زبان کردی، از طریق پذیرش ساخت سیاسی فدرال در قانون اساسی و واگذاری اختیارات منطقه‌ای بیش از حد مانند امکان گسیل نماینده از سوی مناطق به خارج، اختیار تحمیل گمرک و بهره‌برداری از حوزه‌های جدید نفتی به اوج رسید (مرجی صایغ، ۲۰۲۰م، صص. ۸۷-۸۸؛ العبودی، ۱۳۹۹، صص. ۱۰-۸۰).

۲-۲-۳. طایفه‌گرایی سیاسی

هنگامی که شخص عراقی در اثر «فرقه‌گرایی قومی» از وابستگی به واحد سیاسی

جدید، یعنی «دولت ملی» باز می ماند و هویت خود را ذیل عناوین مذهبی، نژادی، زبانی، عشیره‌ای و ... تعریف می کرد، دیانت مهم ترین نقش را در ترسیم مناسبات اجتماعی ایفا می کرد و علم و حیانی جایگزین علم بشری در منبع بودن برای تدوین قوانین اجتماعی این جوامع می شد. مهم ترین ویژگی چنین پدیده‌ای این بود که دیانت تحت تأثیر اقتضائات فرهنگی و آداب و رسوم اجتماعی مادی این جوامع قرار داشت؛ مؤلفه‌ای که با عنوان «طایفه گرایی سیاسی» می توان از آن یاد کرد. «طایفه» در لغت به معنای ایل، قبیله، یک پاره از هر چیز، افراد زیر یک پرچم و افراد دارای یک عقیده و نظر است (بستانی، ۱۳۶۲، ص. ۳۴۱) و در اصطلاح سیاسی به جماعتی انسانی گفته می شود که بر مبنای یک مذهب یا دین خاص تشکیل شود. لازم نبود که در یک جامعه طایفی همه آحاد جامعه به احکام دین ملتزم باشند؛ بلکه باید به دغدغه‌ها و مسائل آن جامعه مذهبی و مناسبات انسانی - سیاسی منبعث از آن پای بند می بودند (المؤمن، ۲۰۲۱، ص. ۳۴)؛ مناسباتی که بر اساس تمایزگذاری میان افراد بر پایه هویت مذهبی (آن سان که تحکیم کننده ارکان قدرت سیاسی باشد)، ترسیم می شد و با «رسمی شدن یک مذهب خاص بر تمامی قلمرو سیاسی» به تثبیت می رسید. در چنین جامعه‌ای، مواجهه خشونت آمیز با پیروان دیگر ادیان و مذاهب، آن سان که به «طرد»، «حاشیه نشینی» و «تبعیض» در همه سطوح اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی منجر شود، امری اجتناب ناپذیر بود (المؤمن، ۲۰۱۷، صص. ۹۸-۱۲۸).

طایفی گرایی سیاسی با در مرکز قرار گرفتن دیانت به عنوان منبع قانون گذاری و انسجام بخشی به امپراتوری عثمانی و تبدیل شدن تشیع به منبع هویت یابی مردمان بین النهرین در آن عصر به خاطر سرکوب و تبعیض های مذهبی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی عثمانی ها در عراق پدیدار گردید (نولته، ۱۴۰۰، صص. ۲۲۳-۲۲۵)؛ همچنین راهکارهای ملی گرایان رومانتیک در برقرار نکردن رابطه مستقیم، ضروری و پایدار میان مفاهیم دینی با مفهوم «ملیت قومی - زبانی» و انکار نقش خاطرات مشترک اسلامی در بقای زبان عربی و پایه ریزی ارتش ملی بر مبنای سرکوب نیروهای مذهبی و محروم ساختن آنها از حقوق اجتماعی و سیاسی (عنایت، ۱۳۹۴، صص. ۲۵۶-۲۵۹) نتوانست آن

را تسکین بخشد. نگرش وحدت‌گرایان مارکسیستی جمهوری نخست عراق در عامل استعمارگران دانستن فقیهان شیعه و اجرای سیاست‌های اصلاحات ارضی و تصویب قانون احوالات شخصیه (الجبری، ۲۰۲۱، صص. ۳۸-۳۹)، مقدمات تمسک عراقی‌ها به آموزه‌های اجتماعی برخاسته از تعالیم دینی را با هدف حفظ هویت دینی‌شان فراهم کرد که در نهایت این تلاش‌ها با آرای مربوط به حکومت اسلامی محمدباقر صدر به فرجام خود نزدیک شد (کسای‌زاده، ۱۳۹۶، صص. ۴۸-۵۰). حزب بعث با معناکردن عربیت به شکل پیوستن به دکترینی سیاسی - اجتماعی که پیروانش را به آزار دیگر هویت‌های انسانی فرا می‌خواند، تهی کردن اسلام از هرگونه عنصر غیبی و آسمانی و جای‌دادن آموزه‌های آن در دل تحقق آرمان «امت عربی واحده» از طریق تلاش برای تصاحب ساختار آموزشی و پرورشی حوزه نجف و ادغام آن در ساختار ایدئولوژیک خود، طایفی‌گری سیاسی و تأثیرپذیری دیانت از بافت سیاسی در عراق را هرچه بیشتر تعمیق کرد (کاظم، ۲۰۱۸، صص. ۲۱-۲۲). وجود مواد قانون اساسی عراق در رسمی‌بودن دین اسلام به‌مثابه منبع اصلی قانون‌گذاری از یک‌سو و چند قومی و چند مذهبی خواندن عراق و تأکید بر نقش آن در تأسیس و عضویت در اتحادیه عرب از سوی دیگر، بیانگر تداوم تأثیرپذیری دیانت از اقتضائات مادی - سیاسی جامعه عراقی، همچنان زیر عنوان «طایفی‌گری سیاسی» بود (العبودی، ۱۳۹۹، صص. ۹-۱۰).

۳-۲-۳. ساخت سیاسی استبدادی

وجود ساخت سیاسی شخص‌محور و استبدادی از نتایج منطقی و تجلی عینی - بدیهی فرقه‌گرایی قومی و طایفی‌گرایی سیاسی به شمار می‌آید. سلاطین عثمانی با تجمیع اختیارات سیاسی در دست‌ان خود، از نوعی خودسرانگی سیاسی در کاربست قدرت و اجبار به نام پادشاه اسلام برخوردار بودند و مردم و قلمرو خلافت، خادم و ملک شخصی او به شمار می‌آمدند (لاییدوس، ۱۳۷۶، ص. ۴۲۴). نگاه قیم‌آبانه اشغالگران انگلیسی در راهبری عراقی‌ها به تمدن جدید، تغییری در روند آن ایجاد نکرد و نهادهای قانونی پادشاهی مشروطه در عراق، همچنان بر پایه امیال و منافع سران لندن پی‌ریزی

می‌شد (الوردی، ۱۳۹۱، صص. ۹-۱۰). منطق ابزاری حزب بعث از مؤلفه‌های سیاسی جدید برای تحقق امت واحده عربی و همچنین برجسته کردن معانی سوسیالیستی - ضد امپریالیستی مفاهیمی مانند آزادی، برابری و حاکمیت اکثریت، تداوم استبداد را موجب می‌گشت و اختیارات همه امور را در دستان صدام حسین، در مقام رئیس جمهور، رئیس شورای فرماندهی انقلاب و ریاست حزب متمرکز می‌کرد (خاکرند و یدالهی، ۱۳۹۸، ص ۱۲۳). تلاش‌های آمریکایی‌ها برای بعثی‌زدایی، انحلال سازمان‌های امنیتی و نابودی زیرساخت‌های دولت عراق نیز مقدمه‌ای بود برای برخورد خودسرانه با شهروندان عراقی که نشانه‌اش را می‌توان اعدام‌های غیرقانونی، شکنجه‌های دردناک، برهم‌زدن آرامش و امنیت و زیرپا گذاشتن حقوق انسانی آنها از طریق اعمال مجازات و کاربرد زور به صورت غیرنهادینه، عریان و رمه‌وارانه دانست (الشکری، ۲۰۱۷، صص. ۱۲۹-۱۳۰). در نهایت نبود ضمانت اجرا برای انبوهی از آزادی‌های یادشده در قانون اساسی دلیلی بر این بود که کارآمدی عمومی دولت و نهادگرایی سیاسی در عراق با چالش‌های عمیقی روبروست (طاهرالحمود، ۱۳۹۷، صص. ۱۲۵-۱۳۱).

۳-۳. راهبردهای تکوین هویت و دولت ملی از دیدگاه سیدسیستانی

۳-۳-۱. شهروندی صالح^۱

از دیدگاه سیدسیستانی حل بحران فرقه‌گرایی قومی جز با اعمال اراده سیاسی عراقی‌ها به عنوان یک «ملت» و ظهور «حاکمیت ملی» ممکن نبود (الخفاف، ۲۰۱۰، صص. ۷۰-۱۶۵)؛ اما مسئله آن بود که عراقی‌ها به‌رغم برخورداری از مؤلفه‌های ظاهری «مدنیت» و «شهروندی»، از توان‌مندی‌های اخلاقی لازم برای تحقق تام و تمام این مؤلفه‌ها کم‌بهره و نه بی‌بهره بودند و «محرکی اخلاقی» لازم بود تا آنان را در جهت پای‌بندی اراده‌مندانه به عناصر ذاتی شهروندی و مدنیت برانگیزاند؛ ضمن آنکه فاصله نظری خود را با آن پدیده‌های عصری و جدید بشری حفظ کند. سیدسیستانی برای «دیانت اسلامی»

۱. المواطنة الصالحة.

رسالتی ویژه در این عرصه قائل بود و عقیده داشت نخستین کارکرد تربیتی آن که در حفظ هویت ملی کشورها ظهور و بروز دارد، «ظهور شهروندی صالح» است:

اگر هر ملتی، از جمله ملت عراق می‌خواهد برای خود عدالت، امنیت، ثبات، شکوفایی، انسجام اجتماعی و رفاه اقتصادی و معیشتی به دست آورد و در میان دیگران، عزت، استقلال و احترام داشته باشد، باید برای تربیت فرزندان خود تلاش کند. آنها را بر پایه‌های خاصی پرورش دهد تا از آنها شهروندانی صالح و مخلص برای میهن و ملت خود ساخته شود؛ فرزندان که برای اهداف، علایق، آرمان‌ها و ارزش‌های آن ملت و میهن فداکاری کنند و در خوشبختی، امنیت و رفاه با یکدیگر همزیستی کنند. اینجا خطاب به همگان است. هر کسی که در این کشور زندگی می‌کند، یک شهروند است؛ چه کارمند باشد، چه شهروندی عادی؛ چه مسئولی عالی‌رتبه باشد، چه نباشد؛ فارغ از آنکه دولت به وظایفش در قبال شهروندان عمل کند یا نکند، بازسازی کشور و رسیدن به وضعیت ثبات، توسعه و خدمت از طریق اصل عشق به میهن است. از طریق دسته‌ای از روایات در می‌یابیم که اسلام به این موضوعات توجه اساسی و فراوان داشته است؛ مانند حب الوطن من الایمان» (الکربلائی، ۱۴۳۸ق/ الف؛ ۱۴۳۸ق/ب).

از آنجا که سیدسیستانی بنا به آموزه‌های مکتب معارف اهل بیت در خراسان، انسان را به صورت «مرکب کلی» تعریف می‌کرد که اجزا و عناصر مادی - شهودی و معنوی - غیبی‌اش ذیل قوانین معین با یکدیگر در تعامل هستند و «منشأ اخلاقیات» را یک «حس فطری» در انسان می‌دانست که به شکل «احساس وجدان اخلاقی»، «احساس گناه»، «میل به کمال» و «تلاش برای رهایی از مظاهر نقص و رذایل روانی» متجلی می‌شود. اینها به عنوان حقایق فطری میان همه آحاد بشر مشترک است. «تزکیه نفس» نیز از دیدگاه او دارای جنبه عینی و اجتماعی بود که اگر به درستی انجام می‌گرفت، به ظهور شهروند صالح منجر می‌شد:

تنها با تزکیه نفس است که انسان می‌تواند به کمال و صلاح مطلوب در تحقق شخصیت صالح در شهروندان برسد. در بسیاری از اوقات اهتمام بسیاری به دنیا

و یادگیری علوم دانشگاهی تخصصی صورت می‌گیرد، اما به جنبه اخلاقی، تربیتی، تزکیه و تهذیب نفوس، چنان‌که سزاوار است پرداخته نمی‌شود؛ از این رو درباره بالاترین سطح دستیابی به کمال و صلاح اشخاص و صلاح شهروندان اختلاف پیدا می‌کنیم (الکربلائی، ۱۴۳۸ق/ج).

به باور سیدسیستانی، تزکیه نفس بدین طریق به ظهور شهروند صالح یاری می‌رساند که با یادآوری «رابطه مخلوقیت انسان با خداوند» به وسیله ترغیب انسان به عمل به آموزه‌های دینی مانند «تمسک به قرآن به مثابه کتاب قانون خلقت و زندگی»، «تقوی و یاد الهی»، «حفظ اعضا و جوارح از گناهان» و «اقتران علم با عمل»، از تسلط امیال شر و غریزی از جمله «انانیت یا خودبینی و استعلا یا خودبرتربینی از طریق اصالت‌بخشی به عناصری مانند خون، نژاد، زبان، تمدن، تاریخ، دانش بشری، جنسیت، سلامتی، ثروت و قدرت» در انسان جلوگیری می‌کند و همین مسئله با «احساس محبت کردن انسان به دیگران و ارزش‌گذاری برای آنها»، مانع قربانی شدن جامعه انسانی و مواهب آن در پای منافع شخصی و محدود شخص یا مجموعه‌ای از اشخاص می‌شود؛ بدین صورت که انسان نه تنها دیگران را بر خود مقدم می‌داشت؛ بلکه «نفس خود» را جدای از آنها تصور نمی‌کرد و دو گانه حوزه عمومی و خصوصی را زیر سؤال می‌برد و «معنای روحی هویت انسانی - اجتماعی» را در «تفکر برای حل مشکلات دیگران» تعریف می‌کرد:

مقصود از جامعه، افرادی است که در یک مکان، یک ایالت، یک منطقه یا روستایی زندگی می‌کنند. باید در آنجا نوعی فعل بخشش وجود داشته باشد و انسان تنها به خودش فکر نکند؛ بلکه بکوشد به دیگران بیندیشد. وقتی جوامع از یکدیگر حمایت کنند و یکی از آنها دیگری را تفقد نماید، جامعه در درون خود حالت همبستگی (تضامن) برقرار می‌کند؛ زیرا هر یک از آنها تلاش می‌کند تا بار دیگری را کم کند. این وضعیت اجتماعی یک حالت پیشرفت، یک وضعیت تمدنی و یک وضعیت شهرنشینی است (الصافی،

۱۴۳۸ق؛ الکربلائی، ۱۴۳۸ق/د).

با پذیرش پیوند انسانیت و اجتماعی بودن بدین معنا ذیل عنوان «مدنیت»، آدمی «خود» را - در مقام «نفس انسانی» - «میزان» مناسبات مطلوب اجتماعی با دیگران قرار می‌دهد و با پذیرش نیاز متقابل انسان‌ها به یکدیگر در ابعاد مختلف حیات اجتماعی، «اصل برابری حق و تکلیف» را اقامه می‌شود که از طریق برقراری مناسبات عدل و انصاف و قسط و عفو و مسامحه محقق می‌گردد و شهروندی صالح شکل می‌گیرد:

شهروند صالح کسی است که منبع خیر و منفعت برای دیگران است. شهروندی است که در بازسازی و پیشرفت و رفاه کشور و ملت کمک می‌کند؛ بدین معنا که در این راه مخلص است و به مصالح کشور و ملتش خیانت نمی‌کند و در راه تحقق امنیت، عدالت، شکوفایی، توسعه، خیر و خدمت به آن می‌کوشد. شهروندی است که با سلامت و محبت و تفاهم با دیگران زندگی می‌کند. در مقابل شهروند صالح، شهروند بد^۱ وجود دارد. شهروندی که منبع شرّ و ضرر و آزاررسانی به دیگران است. شهروندی است که صرفاً به فکر منافع و امیال شخصی خود است و تمایلی در یاری‌رسانی به بازسازی، توسعه کشور و ملتش ندارد و در آن شکست می‌خورد. شهروندی است که همزیستی‌اش با دیگران منبع تهدید صلح اجتماعی و مدنی است (الکربلائی، ۱۴۳۹ق؛ الکربلائی، ۱۴۳۸ق/ر).

در پرتو مدنیت برخاسته از یادآوری مخلوقیت انسانی که مؤلفه‌های آن در آینده شهروند صالح و مؤمن متجلی بود، واحدهای عضویت شهروندی قدیم و جدید، صرفاً با مؤلفه‌های صرفاً مادی مانند شهر یا روستا، کشور یا خون، نژاد یا علم یا جنسیت و ... تعریف نمی‌شدند و میان برخورداری از حقوق و وظایف تناقض یا اختلافی دیده نمی‌شد و مشارکت سیاسی صرفاً با ورود به عرصه قدرت صورت نمی‌گرفت؛ زیرا شهروند صالح کسی بود که ضمن پای‌بندی به «اصل وحدت منشأ انسانی»، تمامی

۱. المواطنة الطالحة.

اختلافات قومی، نژادی، منطقه‌ای، جنسیتی و حتی مذهبی را بر اساس حس مشترک «مخلوقیت انسانی این اختلافات توسط خداوند خالق» هضم می‌کرد و از آن حس مشترک برای «تعدیل گرایش‌های تفرقه‌انگیزانه و رسانیدن آنها به سمت وحدت ملی بهره می‌برد» (عبیس و همکاران، ۲۰۱۹م، ج. ۲، ص. ۱۲۰). این شهروند بر مبنای «حس مراقبت الهی» از «سلوک مسئولیت ملی و میهنی نسبت به هموعانش به‌مثابه تساوی در حقوق و تکالیف در همه سطوح اجتماعی و سیاسی بر حسب طبیعت و تخصصش برخوردار می‌بود و استلزامات اخلاص در خدمت و تعلق خاطر و دفاع از میهن، پشتیبانی از آن و اجرای وظایف در قبال دیگران را در عرصه علمی - عملی کسب می‌کرد (عبیس و همکاران، ۲۰۱۹م، ج. ۲، صص. ۱۴۴-۱۴۵). او بر مبنای «حس قسط و عدالت و انصاف»، به سازمان‌ها و قوانینی که در تمامی سطوح برای مصالح عمومی جامعه ایجاد و وضع شده‌اند، «احترام» می‌گذاشت و از دست‌اندازی شخصی به اموال عمومی با عنوان «اموال حکومت» اجتناب می‌کرد؛ زیرا با «حاکم شدن احساس مخالفت با هوای نفس» به‌خوبی به این حقیقت پی می‌برد که حکومتی غیر از حکومت برآمده از اراده ملت وجود ندارد و از این رو می‌کوشید «با التزام به حس فداکاری در راه وطن و ملت، از منافع محدود شخصی، حزبی، منطقه‌ای و حتی مربوط به جامعه مذهبی چشم‌پوشد و مصالح ملت را بر آنها مقدم بدارد و بدین صورت به مشارکت سیاسی به‌مثابه خیررسانی به آحاد ملت و بازسازی کشور مشغول باشد»؛ همچنین وی بر مبنای «حس شفقت و رحمتی که به دیگر هموعانش داشت، از افتادن جامعه در دامان خشونت و کینه و بغض از طریق حل اختلافات با گفتگوهای سازنده و اسلوب‌های قانونی پیشگیری می‌کرد و به کسانی که وظایف مهمی را در جامعه عهده‌دارند، اعم از معلمان، پزشکان، مهندسان، استادان دانشگاه‌ها و دیگر حرفه‌ها - جدا از کم‌کاری‌های برخی از آنها - احترام می‌گذاشت» (عبیس و همکاران، ۲۰۱۹م، ج. ۲، صص. ۱۲۶-۱۲۷). با انجام چنین فرایند رفتاری‌ای که ذیل قوانین معین اخلاقی - انسانی صورت می‌گرفت، انسان عراقی از تعریف کردن کیستی خود ذیل دسته‌بندی‌های کوچک سیاسی و اجتماعی خارج می‌گشت و به واحد جدید و بزرگ‌تر سیاسی و اجتماعی «ملیت و هویت ملی» وارد می‌شد.

۳-۲. همزیستی مسالمت‌آمیز^۱

سیدسیستانی پس از ارائه راهبرد شهروند صالح برای التیام درد «فرقه‌گرایی قومی»، مؤلفه‌های ذاتی آن را شرط درمان درد طایفی‌گرایی سیاسی نیز می‌داند. او که نگاه مدنی به هویت انسانی - از طریق بازسازی نقش دیانت در اندیشیدن به دیگران و وانهادن انانیت و استعلا - را از مکتب معارف اهل‌بیت در خراسان به ارث دارد و آن را پایه «شهروندی صالح» قرار می‌دهد، مبانی فقهی آن را با رویکرد «ارتکازی - فقه الحدیثی» مکتب حدیثی قم و توجه به «زمینه و جهت صدور روایات متون دینی» (سیستانی، ۱۴۴۱ق، صص. ۱۲-۱۳) تقویت کرد و از فقه مقارن سیدبروجردی (شکوری، ۱۳۷۰، صص. ۲۷-۲۸) برای تفصیل و توضیح بیشتر حقوق انسانی از نصوص دینی بهره گرفت. ایشان با ترجمه فقه به مثابه «دین‌شناسی و حیانی و نه علم احکام جوارح» (ربانی، ۱۴۴۱ق، ج. ۶، صص. ۱۰۴-۱۰۵)، تأکید بر نبود اختلاف میان ادیان و مذاهب در اصول مربوط معارف و اخلاق (ربانی، ۱۴۴۱ق، ج. ۸، صص. ۵۷۹-۵۸۳)، ابتدای علم حقوق بر حقیقت اخلاق فطری و غیبی (حکیم، ۲۰۱۸م، ج. ۵، ص. ۲۱۵) و تفسیر قاعده الزام به قاعده احترام (ربانی، ۱۴۴۱ق، ج. ۱۴، صص. ۷۲-۷۳)، از مفهومی به نام «همزیستی مسالمت‌آمیز» سخن گفت که در آن همه انسان‌های باورمند فطری به اصل «وحدت منشأ انسانی و مخلوقیت انسان» به رابطه‌ای به نام «اخوت اسلامی» وارد می‌شدند که جدای از روابط قومی، عشیره‌ای، نژادی و طایفی تعریف می‌شد و بر آنها تقدم و تقدس داشت. در این رابطه جدید، انسان‌ها همچنان به واسطه یادآوری مخلوقیت خود، حسّی محبت‌آمیز به یکدیگر دارند و ضمن به رسمیت شناختن اختلافات و تفاوت‌های خود، به مثابه امری واقعی، خدادادی و این جهانی، حقوقی را در عرصه تعامل اجتماعی برای خود شناسایی می‌کنند که بر اساس «میزان بودن رجوع به نفس مدنی آنها و احترام به شخصیت اجتماعی و حفظ کرامتشان در تعاملاتشان با دیگران» قابل درک بود و هم‌زمان آنها را به شکل «تکلیف» در قبال دیگران به انجام می‌رساندند: آنان از صدمه زدن به جان، مال و آبروی یکدیگر خودداری می‌کنند تا از حق

۱. التَّعَايُشُ السَّلْمِيُّ.

امنیت برای خودشان بهره‌مند شوند. برخوردار شدنشان از حق آزادی اندیشه، مستلزم انجام دادن تکلیف «تکفیر نکردن یکدیگر به خاطر اختلافات سلیقه‌ای در حوزه عقاید» است؛ آرا و نظراتشان را باید با حفظ کرامت مخالفان و جریحه‌دار نشدن احساسات آنها بروز دهند تا حق آزادی بیان آنها موجبات بغض و کینه را در جامعه فراهم نیاورد و از کثرت جدال، مراء، کذب، انتقادهای ناروا و به دور از محیط‌های علمی و تخصصی پرهیز کنند تا حق گفتگو، تفاهم و اقامه دلیل و برهان جهت محور زمینه‌های اختلاف‌افکنی نمود عینی بیابد (کر بلائی، ۱۴۳۸ق/ ط؛، ۱۴۳۸ق/ م).

سیدسیستانی با طرح مفهوم «همزیستی مسالمت‌آمیز» نه تنها مقدمات رفع تبعیض، پردازش‌گری و در حاشیه‌قرار گرفتن اقشار متعدد دینی و مذهبی را در سطوح مختلف اقتصادی، اجتماعی و سیاسی فراهم کرد؛ بلکه آنچه او به عنوان «احترام به حقوق انسانی» در این ایده ارائه کرد، مقومات روحی و بنیادین برای پای‌بندی به حقوق شهروندی جدید و به عبارت دیگر «ایجاد جامعه مدنی» را نیز در اختیار عراقی‌ها می‌گذاشت؛ از دیدگاه سیدسیستانی:

حکام عراقی باید حقوق عامه انسانی همچون آزادی اندیشه و آزادی بیان و آزادی سیاسی و آزادی انجام دادن مناسک دینی و حقوق مدنی را برای تمامی ادیان و مذاهب اسلامی مراعات کرده و آن را گسترش دهند و جایز نیست پیروان یک مذهب معین از انجام دادن مناسک عبادی یا آشکارسازی آرای سیاسی، فکری و فرهنگی خود محروم گردد؛ امری که موجب برتری یک مذهب بر دیگر مذاهب می‌شود (کر بلائی، ۲۰۲۱م، ص. ۹۸).

همچنین او بر مبنای عنصر اصلی فقه مقارن مکتب حدیثی بروجردی، یعنی «گفتگو»، از تمامی عراقی‌ها، به‌ویژه اندیشمندان و رهبران معنوی و سیاسی عراق درخواست می‌کرد تا خود را انسجام بخشید و به ایجاد فضای دوستی و گفتگوی مسالمت‌آمیز با یکدیگر پردازند؛ همچنین از آنها مطالبه می‌کرد تا با همکاری

حکمرانان عراقی برای ایجاد صحنه‌های مواجهه محبت‌آمیز با همه اقشار جامعه، حکومت بر آنها بر اساس عدالت، برابری میان هم‌میهنان در حقوق و وظایف و پرهیز از درگیری‌های قدرت‌طلبانه و سلطه‌جویی‌های طایفه‌ای و نژادی بر مبنای این اصل، مقدمات بازگشت حاکمیت کامل عراق را در راستای تکثیرگرایی و احترام به دیدگاه‌های دیگران فراهم آوردند و زمینه‌ساز فردایی بهتر همراه با آرامش، امنیت، ترقی و پیشرفت باشند (الخفاف، ۲۰۱۰م، صص. ۷۰-۱۶۵).

۳-۳-۳. استقرار نهادهای سیاسی نوین

سیدسیستانی برای رفع معضل استبداد و شخص‌گرایی سیاسی، «دفاع از کرامت ملی و مقدسات دینی» را با «دفاع از احیای نهادهای سیاسی جدید» درهم می‌آمیزد و تحت تأثیر فقهای مشروطه، تداوم دین‌داری بدون در نظر گرفتن نسبت آن با مقتضیات عالم جدید را ناممکن می‌داند. وی بر این باور است که باید در این راستا از علوم جدید همچون فلسفه، حقوق، روان‌شناسی و جامعه‌شناسی برای تحول ساختاری علم اصول بهره گرفته شود (قطیفی، ۱۴۴۱ق، ج. ۱، صص. ۱۵-۱۸). تحول ساختاری علم اصول بدین معناست که اجازه بهره‌گیری مسلمان عراقی از دستاوردهای دانش سیاسی عصر جدید صادر گردد تا او به پایه‌گذاری ارکان دولت ملی بپردازد. سیدسیستانی که بنابر آرای مکتب معارف اهل بیت علیهم‌السلام «انسان» را موجود «هرکبی کلی» می‌بیند که جدایی میان ابعاد شهودی-مادی و غیبی - معنوی آنها ممکن نیست. وی مراد از واژگان «علم» و «عقل» را همچون مبانی این مکتب نه به ترتیب معانی «مجموعه تصورات و تصدیقات کلی سامان‌یافته در میان بشر» و «چیدن گزاره‌های مقدماتی برای رسیدن به نتیجه» در علوم بشری؛ بلکه «مکشوفیت واقعیات، بصیرت، وضوح» و «فرق‌گذاری میان حق و باطل» در علوم الهی می‌داند (ابطحی، ۱۴۰۰. صص. ۷۴-۸۰؛ هاشمی، ۱۴۴۱ق، ج. ۳، ص. ۲۳)؛ بنابراین مهم‌ترین کارویژه انبیا و امامان را نه تأمین سامان امور دنیوی، بلکه پرورش انسانی ابدی در حیاتی فانی به وسیله معارف عقیدتی و اخلاق می‌پندارد که

هم‌زمان، تفکر دربارهٔ موضوعات نوظهور دنیوی را نیز تشویق می‌کرد (کربلایی، ۲۰۱۸، صص. ۲۰-۲۱). سیدسیستانی بر این مبنا، فعالیت پیامبر ﷺ و ائمه علیهم‌السلام در حوزهٔ سیاسی را به دو دسته، «ولایت عامه» و «ولایت فی‌الأمور العامه» تقسیم کرد و با تعریف اولی به «تصرف در جان و مال و آبروی مردم بر اساس مصالح عامه» و دومی به «واگذاری همهٔ کارها و شئونی که حاکمان هر جامعه‌ای از باب حفظ نظام اجتماعی عهده‌دار آن هستند، مانند گرفتن زکات، گرفتن غنائم، تعیین متولی اوقاف، ولایت در اجرای حدود و تعزیرات و ولایت بر حفظ حمی الاسلام» (ربانی، ۱۴۴۱ق، ج. ۱۵، صص. ۸۵-۸۶)، اعمال ولایت آنها را مشروط به آن کرد که خلاف قوانین فطری‌ای که برای توضیح و تبیین آن برانگیخته شده‌اند، نباشد و حجاب‌های شهوت و غضب را بر عقول فطری انسان‌ها باقی نگذارد:

اصول در شریعت اسلامی ما عبارت‌اند از آراییی که دربارهٔ خداوند متعال، انسان، مبدأ، معاد و روابط اصیل بشر مانند توصیه به رعایت عدل، احسان، مساوات، نفی حرج و... وجود دارد؛ پس برخی از آنها، اهداف اصلی و مبادی عامه دین هستند و اسلام نیز مبین این دین فطری است. این اهداف اصلی و مبادی عامه به صورت ارتکازی در نفوس وجود دارد و مجموعه‌ای از قوانینی است که قرآن کریم آنها را به شکل تفصیلی بیان کرده است. پس از آن نیز سنن نبی اعظم ۹ و ائمه طاهرین ۸ و اوامر و نواهی صادره از آنها به اعتبار ولایت، استانداری و سلطهٔ اداری آنها به حسب مصالح متغیر آن را تبیین کرده، از همین اصول متفرع می‌گردد (ربانی، ۱۴۴۱ق، ج. ۶، ص. ۲۵؛ تمدن و الهی خراسانی، ۱۳۹۹، ص. ۹۹).

سیدسیستانی با پای‌بندسازی اعمال سلطه اداری پیامبر ﷺ و ائمه علیهم‌السلام به تخطی نکردن از قوانین فطری، امر و نهی‌های حاصل از آن را همچون سیاست‌گذاری‌های امور داخلی و خارجی و امورات شخصی دولت‌های امروزی، تابع وجه متغیر امور انسانی می‌داند که می‌باید با در نظر گرفتن همهٔ جنبه‌ها و اصول حاکم بر آن قانون فطری صادر شود؛

از این رو آرای آنها در این عرصه، صرفاً تذکری برای انسان مؤمن عراقی جهت پای‌بندی به بن‌مایه‌های اخلاقی دولت ملی در عصر جدید بود؛ بدین صورت که «تنها بدیهیات فطری مانند «صداقت و حقیقت سیاسی»، «حاکمیت قانون»، «انضباط اداری»، «شایسته‌سالاری»، «تأمین نیازهای اقتصادی کارمندان دولت»، «احترام و مساوات در حقوق متقابل ملت و دولت»، «نقد سازنده»، «توسعه فرهنگی و تربیتی»، «تصحیح فرهنگ عمومی» و «پای‌بندی به مصلحت عمومی» را به عراقی‌ها گوشزد می‌کرد و حضور تخصصی دانش‌های انسانی جدید از جمله دانش سیاسی جدید را در مقام نوری مخلوق و اعطایی به انسان از جانب خداوند، برای فهم هرچه بهتر مصادیق آن می‌پذیرفت» (کربلایی، ۲۰۲۰م، صص. ۲۵-۳۴)؛ بر این اساس سیدسیستانی تشخیص و اجرای ولایت در امور عامه را در عصر جدید، از حیث وجوب کفایی به «امت» واگذار می‌کند که آنها نیز از طریق تعیین «کمیته‌ای از فقیهان مورد اعتماد به معنای دین‌شناسان فطری و وحیانی» به اجرای آن می‌پرداختند و تجلی این کمیته در عصر جدید «وجود نهاد دولت ملی با تمامی ارکان ذاتی‌اش» بود (رسول، ۲۰۲۱م، صص. ۱۱۰-۱۱۴؛ عبیس و همکاران، ۲۰۱۸م، ج. ۱، صص. ۵۲۵۳). او تنها با پیروی از آموزه‌های فقهای نجف و مشروطه و از جایگاهی به نام «مرجعیت فقیه»، به دفاع از احیا و تفسیر دینی مؤلفه‌های ذاتی دولت مدرن مانند «ارتش ملّی منظم متشکل از نیروهای شایسته و تجهیزات جدید جنگ‌افزاری» و «بوروکراسی کارآمد و تأمین‌کننده خدمات عمومی ملت» بسنده نکرد و البته این حمایت را تنها با یادآوردن توصیه‌های اخلاقی مبنی بر لزوم «رسیدگی به مسائل مالی کارمندان دولت، صداقت سیاسی و همدردی آشکار مسئولان با مشکلات و دغدغه‌های عمومی» قوام نبخشید (الخفاف، ۲۰۱۰م، ص. ۱۵۹)؛ بلکه فراتر از آن و بر مبنای تعریف فطری از واژه «علم»، همه زنان و اقلیت‌های قومی و مذهبی را نیز از حیث وحدت خاستگاه انسانی، واجد حق مشارکت سیاسی، به صورت انتخاب کردن یا انتخاب شدن می‌دانست؛ زیرا آنان نیز در درک مبانی فطری و انسانی پدیده‌های سیاسی جدید مانند برقراری عدالت، کرامت، مساوات و نفی حرج با دیگران برابری می‌توانستند

ولایت در امور عامه را از حیث انتظام امور اجتماعی که در نهادهای قانون اساسی متبلور بود، اجرا کنند:

اگر تولی زنان در منصب ریاست عامه یا ریاست دولت تحت نظام سیاسی بر قانون اساسی مبتنی باشد که بر آن سازمان‌های منتخب قانونی حکم می‌رانند و ریاست زنان از باب مسئولیت و گماشتگی در مقابل امت است، ما آن را جایز می‌دانیم و در غیر این صورت دلیلی بر جواز آن نزد ما وجود ندارد (سیستانی، ۱۴۲۹ق، صص. ۴۴۳-۴۴۴؛ عبیس و همکاران، ۲۰۱۸، ج. ۱، صص. ۱۷-۳۱).

نتیجه‌گیری

آیت‌الله سیستانی در زمانه‌ای به ارائه راهبرد برای تکوین هویت و دولت ملی در عراق دست یازید که «گسست از نقش‌آفرینی هویت دینی» جوهره اصلی تمامی سیاست‌گذاری‌های مربوط به دولت - ملت‌سازی در عراق بود. سیدسیستانی با بهره‌گیری از آموزه‌های مکتب‌های فکری - دینی‌ای که برای حفظ فرهنگ دینی در عصر جدید شکل گرفته بودند، راهبردهای اخلاقی - سیاسی تمهید کرد تا هم عراقی‌ها از مواهب یک دولت ملی جدید و مستقل بهره‌مند شوند و هم از هویت تاریخی خود که فرهنگ دینی در کانون آن قرار داشت، حراست کنند. «شهروندی صالح» نخستین رهاورد سیدسیستانی برای زدودن پدیده «فرقه‌گرایی قومی» بود؛ پدیده‌ای که از هویت‌یابی انسان عراقی در گروه‌بندی‌های جدید نظیر «ملیت» مانع می‌شد. سیدسیستانی بر مبنای آموزه‌های انسان‌شناختی مکتب معارف اهل بیت علیهم‌السلام در خراسان که کارکردی تربیتی برای دیانت اسلامی قائل بودند، انسان عراقی را با «تزکیه نفس از طریق عمل به آموزه‌های دینی»، متوجه «رابطه مخلوقیت خود با خداوند»، زیر عنوان «اصل وحدت منشأ انسانی» کرد و بدین طریق، کیستی او را در ارتباطی مدنی با دیگران معنا کرد. وی بر این باور بود که چنین توجهی، ضمن برانگیختن «احساس محبت و شفقت به دیگران»، سلوک‌های «مسئولیت‌پذیری سیاسی به مثابه تساوی حق و تکلیف»، «مشارکت سیاسی به مثابه نقش‌آفرینی در بازسازی کشور و پای‌بندی به مصلحت عمومی» و «احترام

به قوانین و نهادهای سیاسی در همه سطوح اجتماعی، اقتصادی و نظامی» و «استفاده از شیوه‌های مسالمت‌آمیز برای حلّ اختلافات» را به ارمغان می‌آورد و با «انسانی‌کردن مقوله عضویت در مرزهای سرزمینی واحدهای سیاسی جدید» انسان عراقی را به دایره هویت‌یابی ملی وارد می‌سازد. سیدسیستانی همچنین برای رفع الم «طایفی‌گرایی سیاسی» که موجب تبعیض و در حاشیه گرفتن جوامع دینی و مذهبی می‌شد، از آموزه‌های مکتب حدیثی قم مانند مشترک‌دیدن رسالت ادیان آسمانی در حوزه‌ی مربوط به معارف و اخلاق برای تشریح بیشتر حقوق انسانی بهره گرفت و از مفهومی به نام «همزیستی مسالمت‌آمیز» سخن گفت که در آن شهروندان به عنوان افرادی صالح و مؤمن، در رابطه‌ای موسوم به «اخوت اسلامی» وارد می‌شوند و از حقوقی همچون حق امنیت، حق آزادی اندیشه، حق آزادی بیان بهره‌مند می‌شوند تا از شخصیت و کرامت اجتماعی خود حفاظت کنند. ایشان در عین حال این حقوق را به مثابه تکالیفی برای یکدیگر به رسمیت می‌شناسند؛ بدین ترتیب مقومات روحی شکل‌گیری جامعه مدنی جدید در عراق پدید می‌آید و محرک اخلاقی دوام و بقای آن در نفوس عراقی‌ها تقویت می‌گشت. سیستانی جهت التیام مهم‌ترین رنج سیاسی عراق، یعنی ضعف نهادگرایی سیاسی و استبداد، بر آموزه اصلی فقیهان نجف، یعنی «ولایت در امور عامه»، اقامه آن را در زمان معصومین علیهم‌السلام به رعایت قوانین فطری و اخلاقی مانند عدالت و نفی حرج منوط دانست و اعمال آن را در دوران غیبت به صورت «واجب کفایی» به «امت» واگذار کرد تا امکان استفاده از دستاوردهای دانش سیاسی جدید برای درون‌ماندگار کردن عناصر دولت ملی در عراق فراهم گردد. البته تمامی این راهبردها از نگاه خود سیدسیستانی، «راهبردهایی سیاسی و ناظر به بهزیستی جامعه عراقی» است و او در این راستا، فعالیت‌های اجتماعی و تربیتی خود را در قالب مفهوم «اصلاح» ارزیابی می‌کند؛ مفهومی که ناظر به هدایت و راهبری مردم به خیر و سعادت در زندگی این جهانی است و حفظ کرامت و شخصیت اجتماعی آنها را بر پایه آموزه‌های شرعی، در گرو «برقراری اتحاد و جود با ایمان به عالم غیب» می‌داند و البته شناخت ماهیت نظری آن از حیث منبع‌شناسی اندیشه سیاسی به پژوهش‌های آتی موکول می‌شود.

جدول ۱- یافته‌های پژوهش

غایت	راهبرد	منبع معرفتی	دردهای تاریخی	
هویت ملی	شهروندی صالح	مکتب معارف اهل بیت <small>علیهم‌السلام</small> در خراسان	فرقه گرایی قومی	سیدسیستانی و خطر نابودی
جامعه مدنی	همزیستی مسالمت‌آمیز	مکتب حدیثی قم	طایفه گرایی سیاسی	فرهنگ دینی و ملی در عراق
دولت ملی	ولایت در امور عامه	مکتب نجف	استبداد	



فهرست منابع

- ابطحی، س.ع. (۱۴۰۰). اندیشه نامه میرزا مهدی اصفهانی. (چاپ دوم). م. باغبان خطیبی (ویراستار). قم: موسسه معارف اهل بیت علیهم‌السلام.
- احمدیان، ق.؛ صفری، ع. (۱۳۹۷). دیدگاه‌ها و مواضع آیت‌الله سیستانی در روند تدوین قانون اساسی عراق نوین. اندیشه سیاسی در اسلام، ۵(۱۷)، ص. ۱۱۴.
- اسکینر، ک. (۱۳۹۳). بینش‌های علم سیاست. (ج. ۱). ف. مجیدی (مترجم). تهران: انتشارات فرهنگ جاوید.
- اسکینر، ک. (۱۴۰۲). بازگشت نظریه‌های بنیادین به علوم انسانی. ی. موسوی (مترجم). تهران: نشر نقد فرهنگ.
- بستانی، ف.ف. (۱۳۶۲). منجد الطلاب. (چاپ چهارم). م. بندرریگی (مترجم). تهران: انتشارات اسلامی.
- بوش، ج.د. (۲۰۱۲). مذاکرات جورج دبلیو بوش؛ قرارات مصیره. س. حرب (مترجم). بیروت: شركة المطبوعات للتوزيع والنشر.
- تألیفات و تقریرات حضرت آیت‌الله سیدعلی حسینی سیستانی [تألیفات و تقریرات]. بازیابی شده در ۲۵ ربیع الأول ۱۴۴۵ق، از: <https://www.sistani.org/arabic/book>
- تمدن، ح.ر.؛ الهی خراسانی، ع. (۱۳۹۹). حکم، سنت و شریعت؛ خوانشی از دیدگاه‌های اصولی آیت‌الله سیستانی. تهران: نشر دانشگاه امام صادق ۷.
- جابری، س.ع. (۲۰۲۱). النضج السياسي المجتمعي و دوره في بناء الوطن؛ قراءة في دور المرجعية الدينية و المجتمع الشيعي في واقع العراق السياسي المعاصر. بغداد: مركز العراق للدراسات.
- جیاد، س. (۲۰۲۳). رجل الله في العراق؛ حياة و قيادة آیت‌الله العظمی علی سیستانی. ح. حسانی (مترجم). واشنگتن: مؤسسه القرن.

حاجی یوسفی، ا.م.؛ عارف نژاد، ا. (۱۳۹۰). نشانه‌شناسی گفتمان اسلام سیاسی و مردم‌سالار آیت‌الله سیستانی. پژوهشنامه علوم سیاسی، ۶(۴)، صص. ۴۲ - ۴۳.

حار، ک.م. (۲۰۲۲). الرؤیة السیاسیة للسید السیستانی. بیروت: العارف للمطبوعات.

حسینی سیستانی، س.م.ع. (۱۴۳۳ق). استفتاء از آیت‌الله سیستانی درباره عرفان صاحب فصوصی [بایگ‌گانی]. بازیابی شده در ۸ محرم ۱۴۳۳ق، از:

<https://www.sistani.org/persian/archive/427>

حکیم، ع. (۲۰۱۸). النجف الأشرف و حوزتها (ج. ۵). کربلا: دارالکفیل.

حمدانی، ط. (۱۳۹۵). نظریه سیاسی شهید سید محمدباقر صدر. ا. خواجه‌زاده (مترجم). قم: نشر کتاب فردا.

خاکرند، ش.؛ یدالهی، س. (۱۳۹۸ الف). بررسی نقش نظام آموزشی و ناسیونالیست‌های عرب در گسترش ایدئولوژی ناسیونالیسم در عراق (۱۹۲۱ تا ۱۹۴۱م/۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰ش). پژوهش‌های تاریخی، ۱۱(۴)، صص. ۵۸-۶۴.

خاکرند، ش.؛ یدالهی، س. (۱۳۹۸ ب). تأثیر ناسیونالیسم عرب بر گسترش شکاف‌های اجتماعی عراق (۱۹۲۱ - ۱۹۹۱م). پژوهش‌نامه تاریخ اسلام، ۹(۳۵)، ص. ۱۲۳.

خفاف، ح. (۱۴۴۱ق). حوار مع مدیر مکتب سماحة السید فی لبنان حول دور المرجعية فی المشهد الیدینی والسیاسی [ارشیف الموقع]. بازیابی شده در ۱۲ محرم ۱۴۴۱ق، از: <https://www.sistani.org/arabic/archive/26342>

خفاف، ح. (۲۰۱۰). دیدگاه‌های سیاسی - اجتماعی آیت‌الله سیستانی در مسائل عراق. م.ج. رحمتی (مترجم). تهران: نشر کویر.

ربانی، س.م.ع. (۱۴۴۱ق). مجموعه الآثار الکامله للمرجع الیدینی الأعلى السید السیستانی. (ج. ۶، ۸-۱۴). قم: مؤسسه نور الامیر.

رسول، م. (۲۰۲۱). نقد مبانی ولایة الفقیه عند السیستانی. بغداد: مطبعة دارأبکالو.

زندگی‌نامه حضرت آیت‌الله سیدعلی حسینی سیستانی [السیرة الذاتیة]. بازیابی شده در ۵ صفر

۱۴۴۶ق، از: <https://www.sistani.org/arabic/data/1>

سؤال حول موقف سماحة السيد من نظام الحكم الصالح للعراق [ارشيف الموقع]. بازیابی شده در

۱۷ شعبان ۱۴۳۹ق، از: <https://www.sistani.org/arabic/archive/26265/>

سیستانی، س.م.ع. (۱۴۲۹ق). الامام السيستاني: أمة في رجل. ح.م.ع الفاضلي (ویراستار). بیروت: مؤسسة البلاغ.

سیستانی، س.م.ع. (۱۴۴۱ق). تعليقات مع العروة الوثقى. قم: مؤسسة نور الأمير.

شکری، ع.ی. (۲۰۱۷). شیعة العراق من المعارضة إلى السلطة. بیروت: دارالفردين.

شکوری، ا. (۱۳۷۰). نگاهی به روش فقهی مصلح بزرگ آیت‌الله بروجردی. آینه پژوهش، شماره ۷، صص. ۲۷ - ۲۸.

الشلاه، أ.غ. (۲۰۱۵). النظام الحزبي في العراق ۱۹۶۸ - ۲۰۰۳ (دراسة تحليلية نقديه لحزب البعث في العراق). بغداد: مركز العراق للدراسات.

صاحب العريض، ص.؛ عبيدالتالي، م.ف. (۲۰۱۸). مباني الفقه السياسي المعاصر عند السيستاني (نظرية ارادة الامة انموذجا). مجلة الكوفة للعلوم القانونية والسياسية، ۱(۳۸)، صص. ۹۱-۹۲.

صافی، س.ا. (۱۴۰۱). نماینده آیت‌الله سیستانی توضیح داد؛ دلیل عدم برگزاری نماز جمعه کربلا. نهادهای سیاسی عراق به بسیاری از بیانات آیت‌الله سیستانی توجیهی نداشتند و پاسخگوی آن نبودند [اخبار]. بازیابی شده در ۲۵ فروردین ۱۴۰۱، از: <https://www.hawzahnews.com/news/1019093>

صافی، س.ا. (۱۴۳۸ق). المرجعية الدينية العليا تُشدّد على أهمية الإنفاق في سبيل دعم جهود الحرب على الإرهاب وتتشهد بما يبذل من دمائه في سبيل حفظ البلاد والعباد [ارشيف الخطب]. بازیابی شده در ۲ رجب ۱۴۳۸ق، از:

<https://alkafeel.net/inspiredfriday/index.php?id=316&ser=2&lang=ar>

طاهرالحمود، ع. (۱۳۹۷). اخگر گداخته حکومت: تجربه دولت‌سازی شیعیان در عراق پساصدام. س.ح. مرکبى. اصفهان: نشر آرما.

عبودی، س. (۱۳۹۹). دستور جمهوریة العراق الصادر عام ۲۰۰۵. تهران: نشر چتر دانش.

عبیس، ی.خ؛ عیسی، ح.ف؛ مرشد، ع.ص. (۲۰۱۸). *خطب الجمعة توثیق و تحقیق؛ لسنه ۲۰۰۵م (۱۴۲۵ - ۱۴۲۶هـ). (ج.۱). کربلا: العتبة العباسية المقدسه و مرکز العمید الدولي للبحوث والدراسات.*

عبیس، ی.خ؛ عیسی، ح.ف؛ مرشد، ع.ص. (۲۰۱۹). *خطب الجمعة توثیق و تحقیق؛ لسنه ۲۰۱۷م (۱۴۳۸ - ۱۴۳۹ق). (ج.۲). کربلا: العتبة العباسية المقدسة و مرکز العمید الدولي للبحوث والدراسات.*

علوی طباطبایی بروجردی، س.م.ج. (۱۳۹۸). *درآمدی بر مکتب فقهی قم و نجف. ح. ایزدی (ویراستار). قم: نشر اشراق حکمت.*

عنایت، ح. (۱۳۹۴). *سیری در اندیشه سیاسی عرب. (چاپ سیزدهم). تهران: انتشارات امیرکبیر. غرایق زندگی، د. (۱۳۸۹). فرایند دولت-ملت سازی، شکل گیری هویت ملی و بازسازی در عراق: تجارب تاریخی و دورنمای آینده. مطالعات راهبردی، ۱۳(۱)، صص. ۲۶ - ۲۷.*

غضنفری، س.م. (۱۳۹۵). *نگاهی به دیدگاه های فرهنگی، اجتماعی، اخلاقی، سیاسی و سبک زندگی آیت الله سید علی حسینی سیستانی. (چاپ نخست). تهران: نشر ایده نو.*

غیثان، م. (۲۰۱۴). *السیاسة الخارجية الامريكية حيال العراق «حاضر مستقبل و مستقبل الحاضر». بغداد: دارالکتب العلمیه للطباعة والنشر والتوزيع.*

فراتی، ع. (۱۴۰۱). *آیت الله سیستانی و نظریه ارادة الامه. سیاست متعالیه، ۱۰(۳۹)، صص ۹۴-۹۵.*

فیرحی، د. (۱۳۹۴). *تاریخ تحول دولت در اسلام. (چاپ ششم). قم: انتشارات دانشگاه مفید. قادری، م؛ غفاری، م؛ شریعتی، ش. (۱۴۰۱). اقتصاد سیاسی توسعه و مهندسی فرهنگی در ایران پس از انقلاب مشروطه. پژوهشنامه علوم سیاسی، ۶۷(۳)، ص. ۱۸۹.*

قطیفی، س.م. (۱۴۴۱ق). *مجموعه الآثار الكاملة للمرجع الديني الأعلى السيد السيستاني. (ج.۱). قم: مؤسسة نور الأمير.*

کاظم، ع. (۲۰۱۸). *الحوزة تحت الحصار؛ دراسة في أرشيف حزب البعث العراقي. بيروت: دارالرافدين.*

کربلایی، ع. (۱۴۳۸ق/ الف). المرجعية الدينية العليا تُبارك انتصارات تلّعفر، وتشدّد على حماية المدنيين وإدامة التنسيق بين مختلف صنوف القوات المشاركة في القتال [ارشيف الخطب]. بازيابى شده در ۲ ذوالحجّه ۱۴۳۸ق، از:

<https://alkafeel.net/inspiredfriday/index.php?id=338&ser=2&lang=ar>

کربلایی، ع. (۱۴۳۸ق/ ب). المرجعية الدينية العليا تدعو الى احترام الأنظمة والقوانين والحفاظ على الأموال العامة وتحثّ المواطنين على الالتزام بالحسّ الوطني والشعور بالمسؤولية [ارشيف الموقع]. بازيابى شده در ۱۶ ذوالحجّه ۱۴۳۸ق، از:

<https://alkafeel.net/inspiredfriday/index.php?id=340&ser=2&lang=ar>

کربلایی، ع. (۱۴۳۸ق/ ج). المرجعية الدينية العليا تتناول جانباً من الفكر التربوي والاجتماعي لأمير المؤمنين (عليه السلام) وتبين دوره في بناء الفرد والمجتمع والدولة العادلة [ارشيف الخطب]. بازيابى شده در ۲۰ رمضان ۱۴۳۸ق، از:

<https://alkafeel.net/inspiredfriday/index.php?id=328&ser=2&lang=ar>

کربلایی، ع. (۱۴۳۸ق/ د). المرجعية الدينية العليا تدعو الجهات المعنية بالملف الأمني لإجراء تحقيقٍ مهمي في المناطق التي تكررت فيها الخروقات الأمنية، والعمل على وضع معالجات مهنية عاجلة لتفادي وقوعها مستقبلاً [ارشيف الخطب]. بازيابى شده در ۶ رمضان ۱۴۳۸ق، از:

<https://alkafeel.net/inspiredfriday/index.php?id=326&ser=2&lang=ar>

کربلایی، ع. (۱۴۳۸ق/ ر). المرجعية الدينية العليا تتناول نظام التعايش الاجتماعي الصحيح وتبين دوراً في تنظيم أمور المجتمع واستقراره [ارشيف الخطب]. بازيابى شده در ۲۲ شعبان ۱۴۳۸ق، از:

<https://alkafeel.net/inspiredfriday/index.php?id=324&ser=2&lang=ar>

کربلایی، ع. (۱۴۳۸ق/ ط). المرجعية الدينية العليا تؤكد على أهمية حفظ العلاقة الوطنية المشتركة والتعايش السلمي وتدعو للابتعاد عما يثير الكراهية والبغضاء وتحذر من تكفير الآخر [ارشيف الخطب]. بازيابى شده در ۴ ذوالقعدة ۱۴۳۸ق، از:

<https://alkafeel.net/inspiredfriday/index.php?id=334&ser=2&lang=ar>

کربلایی، ع. (۱۴۳۸ق/ م). المرجعية الدينية العليا تشدد على الحكم بعدالة بين جميع أتباع الديانات في المجتمع العراقي وتؤكد على ضرورة تعزيز مبدأ التعايش

السلی [ارشیف الخطب]. بازیابی شده در ۱۸ ذوالقعدة ۱۴۳۸ق، از:

<https://alkafeel.net/inspiredfriday/index.php?id=336&ser=2&lang=ar>

کربلایی، ع. (۱۴۳۹ق). المرجعية الدينية العليا: يجب الحفاظ على الأموال العامة وان الاستحواذ عليها دون وجه حق تعد سرقة من أموال الشعب [ارشیف الخطب]. بازیابی شده در ۲۷ صفر ۱۴۳۹ق،

از: <https://alkafeel.net/inspiredfriday/index.php?id=353&ser=2&lang=ar>

کربلایی، ع. (۲۰۱۸). المواعظ الحسنة؛ مواضع أخلاقية من خطب الجمعة الدينية، الجزء الأول
خطب الجمعة لعامی (۲۰۰۳ - ۲۰۰۴ م). كربلا: العتبة الحسينية المقدسة.

کربلایی، ع. (۲۰۲۰). المواعظ الحسنة؛ مواضع أخلاقية من خطب الجمعة الدينية، الجزء الثاني
خطب الجمعة لعامی (۲۰۰۵ - ۲۰۰۶ م). كربلا: العتبة الحسينية المقدسة.

کربلایی، ع. (۲۰۲۱). المواعظ الحسنة؛ مواضع أخلاقية من خطب الجمعة الدينية، الجزء الثالث
خطب الجمعة لعامی (۲۰۰۷ - ۲۰۰۸ م). كربلا: العتبة الحسينية المقدسة.

کسایب زاده، ف. (۱۳۹۶). عراق جدید؛ حزب الدعوة از اعتراض تا اقتدار. تهران: نشر نگاه
معاصر.

لاپیدوس، ا.م. (۱۳۷۶). تاریخ جوامع اسلامی از آغاز تا قرن هجدهم. م. رمضان زاده (مترجم).
مشهد: آستان قدس رضوی.

مؤمن، ع. (۲۰۱۷). من المذهبية إلى الطائيفه (الطبعة الثانية). بيروت: دار روافد.

مؤمن، ع. (۲۰۲۱). الاجتماع الديني الشيعي، ثوابت التأسيس و متغيرات الواقع. بيروت: دار
روافد.

مرجی صایغ، ک. (۲۰۲۰). المرجعية الدينية؛ الموقف الوطني في العراق بعد ۲۰۰۳. ن.
محمد علی (مترجم). بيروت: مركز الرافدين للحوار.

میاحی، م.ج. (۲۰۱۹). العراق و السیستانی. بغداد: مطبعة الأنکی.

نبوی رضوی، س.م. (۱۳۹۶). میرزا مهدی اصفهانی؛ از مکتب سلوکی سامراء تا مکتب معارف
خراسان. تهران: نشر نگاه معاصر.

نجفی اصفهانی، م.م. (۱۳۹۶). شناخت نامه فقیه اهل بیت آیت الله میرزا مهدی اصفهانی. ع.ا.
کوثری (ویراستار). قم: مؤسسه معارف اهل بیت علیهم السلام.

نولته، ا. (۱۴۰۰). اسلام‌گرایی؛ سومین جنبش مقاومت رادیکال. (چاپ پنجم). م. تدینی (مترجم). تهران: نشر ثالث.

الوردی، ع. (۱۳۹۱). تاریخ عراق؛ دیدگاه‌های اجتماعی از تاریخ عراق معاصر. ه. انصاری (مترجم و محقق). تهران: نشر امیرکبیر.

هاشمی، س.ه. (۱۴۴۱ق). مجموعه الآثار الكاملة للمرجع الديني الأعلى السيد السيستاني. (ج. ۳). قم: مؤسسة نور الأمير.

یلدیز، ک. (۱۳۹۱). کردها در عراق؛ گذشته، حال، آینده. س. فیضی (مترجم). تهران: انتشارات توکلی.

Lydorf, T., & Harkins, J. (2007). Sistani's Future Role in Iraq. *Urban Warfare Analysis Center*, 32, p. 3.



References

- Abīs, Y. Kh., 'Isā, H. F., & Murshid, 'A. S. (2018). *Khuṭab al-jum'ah tawthīq wa taḥqīq; li-sanat 2005M (1425-1426H)* (Vol. 1). Karbala: Al-Abbasīyah al-Muqaddasa and al-'Amīd al-Dawli li-l-Buḥūth wa-al-Dirāsāt. [In Arabic]
- Abīs, Y. Kh., 'Isā, H. F., & Murshid, 'A. S. (2019). *Khuṭab al-jum'ah tawthīq wa taḥqīq; li-sanat 2017M (1438-1439 AH)* (Vol. 2). Karbala: Al-Abbasīyah al-Muqaddasa and al-'Amīd al-Dawli li-l-Buḥūth wa-al-Dirāsāt. [In Arabic]
- Abtahi, S. A. (1400 AP). *The Book of Thoughts of Mirza Mahdi Isfahani* (M. Baghban Khatibi, Ed., 2nd ed.). Qom: Ma'arif Ahl al-Bayt Institute. [In Persian]
- Ahmadiyan, Q., & Safari, A. (1397 AP). The viewpoints and positions of Ayatollah Sistani in the process of drafting the constitution of the new Iraq. *Political Thought in Islam*, 5 (17), 114. [In Persian]
- Alawī Ṭabāṭabā'ī Burūjerdī, S. M. (1398 AP). *Introduction to the Schools of Jurisprudence of Qom and Najaf* (H. Izadi, Ed.). Qom: Ishraq-e Hikmat. [In Persian]
- Al-Shalah, A. G. (2015). *Al-nizam al-hizbi fi al-'Iraq 1968-2003 (dirasa tahliliya naqdiya li-hizb al-Ba'th fi al-'Iraq)*. Baghdad: Markaz al-'Iraq li-al-dirasat. [In Arabic]
- al-Wardī, A. (1391 AP). *The History of Iraq: Social Perspectives from the History of Contemporary Iraq* (H. Anşari, Ed., H. Ansari, Trans.). Tehran: Amīr Kabīr. [In Persian]
- Anāyat, H. (1394 AP). *A Survey of Arab Political Thought* (13th ed.). Tehran: Amīr Kabīr. [In Persian]
- Bastānī, F. F. (1362 AP). *Manjad al-ṭullāb* (4th ed., M. Bandarrīgī, Trans.). Tehran: Islāmī. [In Arabic]
- Biography of His Eminence Ayatollah Sayyid Ali Husayni Sistani [The biography]*. Retrieved 5 Safar 1446 AH, from: <https://www.sistani.org/arabic/data/1> [In Persian]

- Bush, G. W. (2012). *Decision Points* 'Qararat Misriyeh (S. Harb, Trans.). Beirut: The Printing and Publishing Company. [In Persian]
- Fīrahī, D. (1394 AP). *The History of State Transformation in Islam* (6th ed.). Qom: Mūfid University. [In Persian]
- Forātī, 'A. (1401 AP). *Ayatollah Sistani and the Theory of Erada al-Ummah. transcendent politics*, 10(39), 94-95. [In Persian]
- Gharāyāq Zandī, D. (1389 AP). *The Process of State-Nation Building, Formation of National Identity, and Reconstruction in Iraq: Historical Experiences and Future Prospects. Strategic Studies*, 13(1), 26-27. [In Persian]
- Ghaythān, M. (2014). *The US Foreign Policy Towards Iraq "Present Future and Future of the Present"*. Baghdad: Dār al-Kutub al-'Ilmiyyah li-l-Ṭibā'ah wa-n-Nashr wa-t-Tawzī. [In Arabic]
- Ghazanfarī, S. M. (1395 AP). *A Glance at the Cultural, Social, Ethical, Political, and Lifestyle Views of Ayatollah Sayyid 'Alī Ḥasanī Sīstānī* (1st ed.). Tehran: īde-ye no. [In Persian]
- Haar, K. M. (2022). *Al-Ru'yah al-Siyasiyyah li al-Sayyid al-Sistani*. Beirut: Al-Aref lil-Matbou'at. [In Arabic]
- Haji Yousefi, A. M., & Arefnejad, A. (1390 AP). *Semiology of the political Islam discourse and the democrat of Ayatollah Sistani. Political Science*, 6 (4), 42-43. [In Persian]
- Hakim, A. (2018). *Al-Najaf al-Ashraf wa Hawzatuha* (Vol. 5). Karbala: Dar al-Kafeel. [In Arabic]
- Hamedani, T. (1395 AP). *The Political Theory of Martyr Sayyid Muhammad Baqir al-Sadr* (A. Khajezadeh, Trans.). Qom: Nashr-e Kitab-e Farda. [In Persian]
- Hāshemī, S. H. (1441 AH). *Majmū`at al-Āthār al-Kāmilah lil-Marji` al-Dīnī al-A`lā al-Sayyid al-Sīstānī* (Vol. 3). Qom: Nūr al-Amīr. [In Arabic]
- Hosayni Sistani, S. (1433 AH). *Inquiry from Ayatollah Sistani about the Mysticism of the Author of Fusus al-Hikam*. Retrieved, 1433 AH, from <https://www.sistani.org/persian/archive/427/> [In Persian]

- Jabiri, S. A. (2021). *Al-Nudj al-Siyasi al-Mujtama'i wa Dawruhu fi Bina' al-Watan; Qira'ah fi Dawr al-Marji'iyah al-Diniyyah wa al-Mujtama' al-Shi'i fi Waqi' al-Iraq al-Siyasi al-Mu'asir*. Baghdad: The Iraq Center for Studies. [In Arabic]
- Jiyad, S. (2023). *Rajul Allah fi al-Iraq; Hayat wa Qiyadat Ayatullah al-'Uzma Ali al-Sistani* (H. Hassani, Trans.). Washington: al-Qarn Institute. [In Arabic]
- Karbalai, A. (1438 a AH). *Al-marji'iya al-diniya al-'ulya tubarik intisarat Tal Afar, wa tushadid 'ala himayat al-madaniyin wa idamat al-tansiq bayn mukhtalif sunuf al-quwwat al-mushaarika fi al-qital*. Retrieved 1438 AH, from <https://alkafeel.net/inspiredfriday/index.php?id=338&ser=2&lang=ar> [In Arabic]
- Karbalai, A. (1438 b AH). *Al-marji'iya al-diniya al-'ulya tad'u ila ihtiram al-'anzima wa al-qawanin wa al-hifaz 'ala al-amwal al-'amma wa tuhithh al-muwatinin 'ala al-iltizam bi al-hiss al-watani wa al-shu'ur bi al-mas'uliya*. Retrieved 1438 AH, from <https://alkafeel.net/inspiredfriday/index.php?id=340&ser=2&lang=ar> [In Arabic]
- Karbalai, A. (1438 c AH). *Al-Marji'iya al-Diniya al-'Ulya tatanawalu janiban min al-fikr al-tarbawi wa al-ijtima'i li-Amir al-Mu'minin ('alayhi al-salam) wa tubayyin dawrahu fi bina' al-fard wa al-mujtama' wa al-dawla al-'adila*. Retrieved 1438 AH, from <https://alkafeel.net/inspiredfriday/index.php?id=328&ser=2&lang=ar> [In Arabic]
- Karbalai, A. (1438 d AH). *Al-marji'iya al-diniya al-'ulya tad'u al-jihat al-ma'niya bi-al-milaff al-amni li-ijra' tahqiq mihani fi al-manatiq allati takarrarat fiha al-khuruqat al-amniya, wa-al-'amal 'ala waq' mu'alajat mihaniya 'ajila li-tafadi wuqu'iha mustaqbalan*. Retrieved 1438 AH, from <https://alkafeel.net/inspiredfriday/index.php?id=326&ser=2&lang=ar> [In Arabic]
- Karbalai, A. (1438 e AH). *al-Marji'iyah al-Diniyah al-'Ulyā tatanāwalu nizām al-ta'āyush al-ijtima'ī al-ṣaḥīḥ wa-tubayinu dawrah fi tanzīm umūr al-*

- mujtama` wa-stiqrārih*. Retrieved 1438 AH, from <https://alkafeel.net/inspiredfriday/index.php?id=324&ser=2&lang=ar> [In Arabic]
- Karbalai, A. (1438 f AH). *al-Marji`iyah al-Dīniyah al-Ulyā tu'akidu alā ahmiyat ḥifẓ al-`alāqah al-waṭaniyah al-mushtarakah wa-al-ta`āyush al-silmī wa-tad`ū lil-ibti`ād `ammā yuthīr al-karāhiyah wa-al-bagħdā' wa-tuḥadhir min takfir al-ākhar*. Retrieved 1438 AH, from <https://alkafeel.net/inspiredfriday/index.php?id=334&ser=2&lang=ar> [In Arabic]
- Karbalai, A. (1438 g AH). *al-Marji`iyah al-Dīniyah al-Ulyā tushadidu `alā al-ḥukm bi-`adālah bayna jamī` atbā` al-diyānāt fī al-mujtama` al-`Irāqī wa-tu'akidu `alā ḍarūrat ta`zīz mabda' al-ta`āyush al-silmī*. Retrieved 1438 AH, from <https://alkafeel.net/inspiredfriday/index.php?id=336&ser=2&lang=ar> [In Arabic]
- Karbalai, A. (1439 h AH). *al-Marji`iyah al-Dīniyah al-Ulyā: yajib al-ḥifāẓ `alā al-amwāl al-`āmmah wa-anna al-istiḥwādh `alayhā dūn wajh ḥaqq tu`addu sirqatan min amwāl al-sha`b*. Retrieved 1439 AH, from <https://alkafeel.net/inspiredfriday/index.php?id=353&ser=2&lang=ar> [In Arabic]
- Karbalai, A. (2018). *al-Mawā`iz al-Ḥasana; Mawāḍi` Akhlāqiyah min Khuṭab al-Jumu`ah al-Dīniyah, al-juz' al-awwal Khuṭab al-Jumu`ah li-āmī (2003 - 2004)*. Karbala: al-`Atabah al-Ḥusayniyah al-Muqaddasah.
- Karbalai, A. (2020). *al-Mawā`iz al-Ḥasana; Mawāḍi` Akhlāqiyah min Khuṭab al-Jumu`ah al-Dīniyah, al-juz' al-thānī Khuṭab al-Jumu`ah li-āmī (2005 - 2006)*. Karbala: al-`Atabah al-Ḥusayniyah al-Muqaddasah. [In Arabic]
- Karbalai, A. (2021). *al-Mawā`iz al-Ḥasana; Mawāḍi` Akhlāqiyah min Khuṭab al-Jumu`ah al-Dīniyah, al-juz' al-thālith Khuṭab al-Jumu`ah li-āmī (2007 - 2008)*. Karbala: al-`Atabah al-Ḥusayniyah al-Muqaddasah. [In Arabic]
- Kasā`izādeh, F. (1396 AP). *The New Iraq: The Da'wa Party from Protest to Power*. Tehran: Negāh-e Mo`āsher. [In Persian]

- Kāzīm, ‘A. (2018). *Al-ḥawzah taht al-ḥiṣār; dirāsah fī arshif ḥizb al-ba‘th al-‘irāqī*. Beirut: Dār al-Rafidīn. [In Arabic]
- Khafaf, H. (1441 AH). *Hivarun ma’a mudir maktab samahat al-Sayyid fī Lubnan hawl dawr al-marja’iya fī al-mashhad al-dini wa-al-siyasi*. Retrieved 1441 AH, from <https://www.sistani.org/arabic/archive/26342/> [In Arabic]
- Khafaf, H. (2010). *Socio-political views of Ayatollah Sistani on Iraqi issues* (M. J. Rahmati, Trans.). Tehran: Kavir. [In Persian]
- Khakrand, Sh., & Yedollahi, S. (1398 a AP). Investigating the role of the education system and Arab nationalists in spreading the ideology of nationalism in Iraq. *Historical Research*, 11(4), 58-64. [In Persian]
- Khakrand, Sh., & Yedollahi, S. (1398 b AP). The impact of Arab nationalism on the expansion of social gaps in Iraq. *Islamic History Studies*, 9(35), 123. [In Persian]
- Lāpīdūs, I. M. (1376 AP). *A History of Islamic Societies from the Beginning to the Eighteenth Century* (M. Ramazānzādeh, Trans.). Mashhad: Āstān-e Qods-e Razavī. [In Persian]
- Lydorf, T., & Harkins, J. (2007). Sistani’s Future Role in Iraq. *Urban Warfare Analysis Center*, 32, 3.
- Marji Šā’igh, K. (2020). *al-Marji’iyah al-Dūniyah; al-Mawqif al-Waṭanī fī al-‘Irāq ba’d 2003* (N. Muḥammad’alī, Trans.). Beirut: Markaz al-Rāfidayn lil-Ḥiwār. [In Arabic]
- Miyāḥī, M. J. (2019). Iraq and Sistani. Baghdad: Maṭba‘at al-‘Ankī. [In Arabic]
- Mu‘min, A. (2017). *Min al-Madhhabiyah ilā al-Ṭā’ifīyah* (2nd ed.). Beirut: Dār Rawāfid. [In Arabic]
- Mu‘min, A. (2021). *al-Ijtīmā` al-Dīnī al-Shī‘ī, Thāwābit al-Ta’sīs wa-Mutaghyirāt al-Wāqi*. Beirut: Dār Rawāfid. [In Arabic]
- Nabavī Razavī, S. M. (1396 AP). Mirza Mahdi Isfahani: From the Samarra School of Sufism to the Khorasan School of Knowledge. Tehran: Negāh-e Mo`āsher. [In Persian]

- Najafī Iṣḥāhānī, M. M. (1396 AP). *Biography of the Jurist of Ahl al-Bayt Ayatollah Mirza Mahdi Isfahani* (A. A. Kūtharī, Ed.). Qom: Aal al-Bayt. [In Persian]
- Nolte, A. (1400 AP). *Islamism: The Third Radical Resistance Movement* (M. Tadinī, Trans.). Tehran: Sāles. [In Persian]
- Qāderī, M., Ghaffārī, M., & Shary‘atī, Sh. (1401 AP). Political Economy of Development and Cultural Engineering in Iran After the Constitutional Revolution. *Political Science Research*, 67(3), 189. [In Persian]
- Qaṭīfī, S. M. (1441 AH). Complete Works of the Supreme Religious Authority, Sayyid al-Sistani (Vol. 1). Qom: Nūr al-Amīr. [In Arabic]
- Question regarding His Eminence Sayyid Sistani's stance on a suitable system of governance for Iraq*. Retrieved 1439 AH, from: <https://www.sistani.org/arabic/archive/26265/> [In Arabic]
- Rabbani, S. M. (1441 AH). The complete collection of works of the Supreme Religious Authority, Sayyid Sistani (Vols. 6, 8, 14 & 15). Qom: Noor al-Amir Foundation. [In Arabic]
- Rasul, M. (2021). *A critique of the foundations of Wilayat al-Faqih according to Sistani*. Baghdad: Abkalo. [In Arabic]
- Safī, S. A. (1401 AP). *Representative of Ayatollah Sistani explains; the reason for not holding Friday prayers in Karbala*. News. Retrieved 2022, from <https://www.hawzahnews.com/news/1019093/> [In Persian]
- Safī, S. A. (1438 AH). *Al-marjī‘iyyah al-dīniyyah al-‘ulyā tuṣaddid ‘alā ahmiyyat al-infaq fi sabīl da‘m juhūd al-ḥarb ‘alā al-irhāb wa tastashhid bimā yubdzal min damā’ fi sabīl ḥifz al-bilād wa al-‘ibād*. Retrieved 2 Rajab 1438 AH, from <https://alkafeel.net/inspiredfriday/index.php?id=316&ser=2&lang=ar> [In Arabic]
- Sahib al-Aridi, S., & Ubayd al-Na’ili, M. F. (2018). The Foundations of Contemporary Political Jurisprudence According to Sistani. *Majallat al-Kufah lil-‘ulūm al-qānūniyyah wa-al-siyāsiyyah*, 1(38), 91-92. [In Arabic]

- Shskuri, A. (1370 AP). A Glance at the Jurisprudential Method of the Great Reformer Ayatollah Borujerdi. *Aineh-ye pejuhesh*, 7, 27-28. [In Persian]
- Shokri, A. Y. (2017). *Shi'at al-'Iraq ma'a al-'Urwah al-Wuthqa*. Beirut: Dar al-Rafidin. [In Arabic]
- Sistani, S. M. (1429 AH). *Al-Imam Al-Sistani: Ummah fee Rajul* (H. M. al-Fadhli, Ed.). Beirut: Al-Balagh. [In Arabic]
- Sistani, S. M. (1441 AH). *Ta'liqat ma'a al-'Urwah al-Wuthqa*. Qom: Noor al-Amir. [In Arabic]
- Skinner, Q. (1393 AP). *The Foundations of Modern Political Thought* (Vol. 1, F. Majidi, Trans.). Tehran: Farhang-e Javid Publications. [In Persian]
- Skinner, Q. (1402 AP). *Visions of Politics* (Y. Mousavi, Trans.). Tehran: Nashr-e Naqd-e Farhang. [In Persian]
- Tahir al-Hamūd, 'A. (1397 AP). *The Glowing Embers of Government: The Experience of Shiite State-Building in Post-Saddam Iraq*. Isfahan: Ārmā. [In Persian]
- Tamaddon, H. R., & Elahi Khorassani, A. (1399 AP). *Rule, Tradition, and Sharia: A Reading of the Usuli Viewpoints of Ayatollah Sistani*. Tehran: Imam Sadiq University Press. [In Persian]
- The Works and Transcripts of His Eminence Sayyid Ali Husayni Sistani [Works and Transcripts]*. Retrieved 1445 AH, from <https://www.sistani.org/arabic/book/> [In Persian]
- Ubadi, S. (1399 AP). *Constitution of the Republic of Iraq issued in 2005*. Tehran: Chatr-e Danesh. [In Arabic]
- Yıldız, K. (1391 AP). *Kords in Iraq: Past, Present, Future* (S. Feyzī, Trans.). Tehran: Tavakkulī. [In Persian]



The Role of Shiism in Transforming the Idea of Political Progress into Collective Good and Action *

Masood Moeinipour¹ 

1. Assistant Professor, Department of Political Science, Baqir al-Olum University, Qom, Iran.
Email: moeinimasood@bou.ac.ir



Abstract

This article examines the role and impact of Shiism in transforming the idea of political progress into collective good within the Islamic Republic of Iran, analyzing its multifaceted dimensions and charting a three-phase pathway to achieve this goal. In the first phase, the article highlights the essential role of four key interests—identity-based, ideological, humanitarian, and patriotic—in aligning with the goals of Shiism and fostering political progress. Defined within the framework of Shiite teachings, these interests create a common ground that can serve as a foundational ideological basis for political advancement and collective good in the Islamic Republic. In the second phase, three important dimensions of Shiism—its theoretical (Islamic political philosophy), attitudinal (political ethics), and behavioral (political jurisprudence) aspects—are explained and analyzed. These dimensions illustrate how Shiism, with its emphasis on ethical and legal principles, is equipped to provide a suitable framework for political progress. Islamic political philosophy offers theoretical perspectives on

* Moeinipour, M. (2023). The Role of Shiism in Transforming the Idea of Political Progress into Collective Good and Action. *Journal of Political Science*, 27(105), pp. 151-177.

<https://doi.org/10.22081/PSQ.2024.68234.2863>

 **Publisher:** Baqir al-Olum University, Qom Iran.

* **Type of article:** Research Article

 **Received:** 2023/12/31 •  **Revised:** 2024/02/08 •  **Accepted:** 2024/02/26 •  **Published online:** 2024/03/25

© The Authors

